

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مالیات

فصلنامه مالیاتی

دوره دوم، شماره دوم، پائیز ۱۳۷۶

(شماره مسلسل ۱۷)

صاحب امتیاز: دانشکده امور اقتصادی

مدیر مسئول: دکتر علی اکبر عرب مازار

زیر نظر هیأت تحریریه

امور مالی: بهرام گرایلی افرا

لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

چاپخانه بهمن، - خیابان ری، ایستگاه

آبشار، شماره ۱۸۵

خواهشمند است مقالات خود را با برنامه

کامپیوتری زرتنگار تایپ نموده و دیسکت

(فلاپی) آن را به دفتر مجله تحویل فرمائید.

مطالب مندرج در مجله الزاماً مسیّن رأی و

نظر مسئولان آن نیست. مجله در ویرایش

و حذف مقالات آزاد است.

مطالب رسیده بازگردانیده نمی‌شود.

دفتر مجله مالیات:

دانشکده امور اقتصادی شماره ۱۵۳،

خیابان طالقانی، بین حافظ و ولی عصر،

کد پستی: ۱۵۹۱۸، تهران.

صندوق پستی: ۱۱۱۱ - ۱۵۸۷۵، تهران.

فاکس: ۶۴۱۹۷۱۶ تلفن: ۶۴۶۴۵۱۸

فهرست مطالب:

۲ دکتر علی اکبر عرب مازار

سرآغاز

مالیات بر مصرف،

۴ دکتر محمود مکی‌زاده

مالیاتی مناسب برای ایران

اینترنت و آثار آن در

۱۵ جنبه‌های مالیاتی معاملات بین‌المللی دکتر علی اکبر عرب مازار

۲۲ درآمد حقوق ایام مرخصی استفاده نشده محمد حسین سید زمانی

۲۴ معرفی کتاب

مالیات اجاره بهای املاک کوچک

۲۶ فاطمه عبداللهی

و ائتلاف نامتناسب امکانات

۲۸ شکوائیه‌ای از دوران قاجار پیرامون یک حواله مالیاتی

قوانین مالیاتی

۳۰ حسین ورزکاری مقدم

و خریداران املاک با اسناد عادی

۳۲ مهندس مهران سمسار

مالیات نقل و انتقال را غلط ننویسیم

۳۳ شرکت‌های کم سرمایه

جایگاه اجتماعی مالیات

۳۵ عبدالرضا شفیعی

خبرهای مالیاتی

۳۸ هزار دستان مالیاتی روس

قوانین، تصویب‌نامه‌ها، و بخشنامه‌های مالیاتی، و آراء

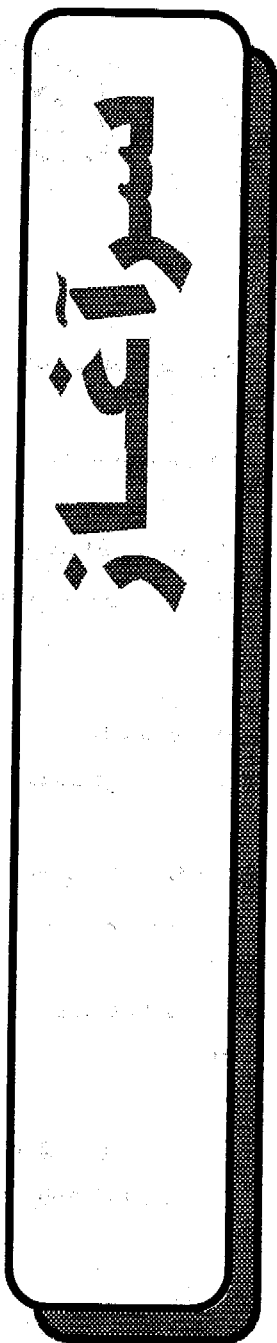
۴۵ هیأت‌های عمومی شورای عالی مالیاتی و دیوان عدالت اداری

۴۶ بخش انگلیسی

به نام خدا

پرداختن به مسائل و مشکلات روزمره، ممکن است آدمی را از تفکر پیرامون آینده و تدارک زمینه جهت مقابله با اوضاع و احوالی که برای فردا قابل پیش‌بینی است، باز دارد. جوامع انسانی نیز همانند افراد ممکن است به چنین وضعی دچار آیند و فقط به زمان حال و ابتلاعات آن بیاندیشند و آینده را چندان جدی تلقی نکنند. این گونه برخورد با قضایا در زمینه امر مالیاتی نیز می‌تواند مصداق پیدا کند، به این معنی که تمام یا بخش اعظم توان برنامه‌ریزی سازمان مالیاتی متوجه زرع موانع فعلی و رسیدن به مبالغ وصولی پیش‌بینی شده در بودجه گردد و تفکر در باب آینده به آیندگان واگذار شود. شکل دیگر کار این است که تدوین برنامه برای آینده محدود به پیش‌بینی ارقام وصولی بر مبنای نیازهای مالی چند سال آتی دولت شود، یعنی علاوه بر بودجه سالانه یک بودجه کلی‌تر چند ساله نیز تنظیم شود که در آن رقم و عدد نقش اساسی را بازی می‌کند. چنان کاری را نیز می‌توان اندیشه به حال فردا و به اصطلاح آینده نگری دانست. اما بحث ما از این حد که معمولاً به تنظیم کنندگان برنامه‌های چند ساله است، فراتر می‌رود. پیش‌بینی ارقام مالیاتی قابل وصول برای یک یا چند سال آتی کاری است بالاترین لازم و کسی را انکاری در باب آن نیست. اما از این حد که تنها عدد و رقم قالب را در بردارد، باید فراتر رفت و به محتوی و ماهیت مالیات‌ها پرداخت، که به مفهوم برنامه‌ریزی یا توجه به مجموعه عوامل مؤثر در امر مالیاتی می‌باشد.

به عبارت بهتر باید دید سناریوی پیش چشم ما که مالیه چی امروزی در چارچوب آن به ایفاء نقش می‌پردازد، فردای اندکی دورتر چه منظر و چه آرایه‌ای خواهد داشت، تا بکوشد استعداد و توان لازم را برای ادامه کار خود در آن صحنه متحول شده پیدا کند. طبیعی است که این کار ساده‌ای نیست و به مراتب پیچیده‌تر از



پیش‌بینی چند رقم معین است که غالباً تکلیف کار هم تا حدود زیادی روشن بوده و گریزی از ارائه ارقامی مناسب با مجموع هزینه‌های کشوری نمی‌باشد.

آینده‌نگری در باب امر مالیاتی به معنایی که مورد نظر ما است مستلزم آن است که در درجه اول آینده وضع اقتصادی و تحولاتی که ممکن است در عناصر عمده تشکیل دهنده آن حادث شود، برای مدتی حدود یک دهه پیش‌بینی گردد که بدیهی است در این کار باید توجه عمده بر جنبه مالیاتی قضایا متمرکز شود. شکل دادوستد و فعل و انفعالات اقتصادی در جهت چه تغییراتی سیر می‌کند و چه پدیده‌های تازه‌ای در این صحنه قابل پیش‌بینی است؟ این پرسش کلی طبعاً می‌تواند اجزاء بسیار متعددی را در برگیرد که از تحول در سلیقه‌های فردی و گروهی مصرف‌کنندگان گرفته تا دگرگونی‌های تجارت خارجی، رشد جمعیت، درآمدهای ارزی، تناسب رشد بین بخش‌های مختلف اقتصادی، پیشرفت علوم و تکنولوژی و بسیاری مسائل و مقولات دیگر را شامل می‌شود. پرداختن به جزئیات چنین مسائلی طبعاً از حوصله این سرمقاله مختصر خارج خواهد بود.

در صورتی که چنین گام مهم، و طبعاً توأم با دشواری‌ها و مستلزم همت بسیار، برداشته شود آنگاه مسأله برنامه‌ریزی برای رویارویی با اوضاع و احوال جدید به میان می‌آید که خود زمینه کار گسترده‌ای است و مجموع شکل و ماهیت و تشکیلات و تکنیک کار مالیاتی را فرا می‌گیرد. متناسب ساختن قوانین و مقررات مالیاتی به نحوی که انواع منابع مالیاتی را با تکیه و تأکیدی که در خور اهمیت نسبی هر یک از آنها است، در برگیرد و نرخ‌ها و ضرایب و مقولات مشابه نیز ضمن آن مورد اصلاح مناسب واقع بشود، از جمله این اقدامات است. نیازی به گفتن نیست که هم‌زمان چه از حیث مقررات و چه در میدان عمل هر گونه تغییر و اصلاح لازم در کم و کیف سازمان مالیاتی و رفتار آن نیز باید منظور شود.

نحوه برخورد دیگر با آینده‌نگری مورد بحث پرداختن به تحولات قابل پیش‌بینی معین در زمینه‌های خاص است، که هر چند جای چنان بررسی جامع و همه‌جانبه‌ای را نمی‌گیرد، اما در حد خود می‌تواند کار سودمندی باشد. هم‌اکنونی اندیشمندان این رشته انواع بررسی‌های از این‌گونه را در زمینه‌های مختلف آغاز کرده و به استقبال سناریوی مالیاتی قرن بیست و یکم رفته‌اند. نمونه‌ای از این کار در صفحات بعدی همین شماره مجله مالیات منعکس است که در حد خود اهتمام جهانی نسبت به این جنبه از امر مالیاتی را بیان می‌دارد.

علی اکبر عرب مازار

مالیات پر مصرف

مالیاتی مناسب برای ایران

دکتر محمود مکی‌زاده

هزینه‌ها از طریق درآمدهای عمومی صورت می‌گیرد، زیرا فعالیت‌های دولت همانند فعالیت‌های دیگر، مستلزم مخارج و هزینه‌هایی است. دولت برای پرداخت مخارج خود باید درآمدهایی داشته باشد. این درآمدها بخشی از درآمد ملی را تشکیل می‌دهد که در بدو امر در دست مردم است لکن دولت به طرق مختلف بخشی از آن را تأمین و برای مخارج خود مورد استفاده فرار می‌دهد. در مقابل مردم وظایفی را به عهده دولت محول می‌کنند. چنان که تاریخ عقاید اقتصادی نشان می‌دهد این افکار و عقاید در قرن حاضر پیوسته در تغییر و تحول بوده و تئوری‌های جدید به منصف ظهور رسیده است. وظیفه دولت‌ها در سیستم‌های مختلف اقتصادی و رژیم‌های سیاسی متفاوت است:

۱. در سیستم اقتصادی مبتنی بر اصل آزادی

افزایش روزافزون حوائج مالی دولت‌ها پس از جنگ جهانی اول باعث توسعه اقتصاد عمومی گردیده است، به نحوی که امروزه در محدوده فعالیت‌های مالی و اقتصادی دولت یک سیستم اقتصاد عمومی در مقابل سیستم اقتصاد خصوصی ظاهر گردیده است.

محاسبات مالی در زمینه اقتصاد عمومی باید با توجه به اقتصاد خصوصی و سیر تحول آن صورت گیرد، وگرنه عدم هماهنگی بین دو سیستم اقتصاد بخش خصوصی و اقتصاد بخش عمومی ممکن است اقتصاد کلی کشور را دچار اختلال و اشکال گرداند.

دولت برای اجرای برنامه‌های خود که منبعت از حوائج عمومی است هزینه‌هایی دارد. تأمین این

دادوستد، وظائف دولت یکنواخت نبوده و برحسب زمان و مکان تغییر کرده است.

۲. در سیستم لیبرال وظایف دولت از حدود مسائل مربوط به نظم عمومی و برقراری امنیت تجاوز نکرده و در نتیجه اختیارات مالی دولت بسیار محدود بوده و هزینه‌های عمومی اغلب با وصول مالیات و درآمدهای خالصه تأمین می‌شود.

۳. در اقتصاد ارشادی دخالت دولت در امور اقتصادی وظائفی از لحاظ اجتماعی برعهده دولت محول می‌کند. اجرای آن وظایف متضمن مخارج سنگینی است که دستگاه مالی باید متحمل گردد. اقتصاد دولت جمهوری اسلامی ایران هم نوعی اقتصاد ارشادی است که پیرو قوانین اسلامی است. در قوانین اسلام چندین گونه مالیات وجود دارد که بعضی از آنها مالیات مستقیم هستند و بعضی غیرمستقیم، برخی مالیات سالانه و همیشگی هستند و برخی جنبه فوق‌العاده دارند. مالیات‌های همیشگی مالیات‌هایی هستند که مادامی که کشور در آرامش به سر می‌برد و مورد تهاجم اجانب نیست و یا انقلابی در داخل کشور وجود ندارد، برای هزینه‌های دولت وصول می‌شوند. اما مالیات‌های فوق‌العاده در زمان انقلاب خارجی یا داخلی وضع و اخذ می‌شوند. مالیات‌های فوق‌العاده میزان محدودی ندارند. این نوع مالیات‌ها، مالیات غیرمستقیم هستند و هنگامی اخذ می‌شوند که مالیات‌های مستقیم جوابگوی هزینه‌های دولت نباشند.

طرح کلی مالیات بر فروش

مالیات بر فروش نوعی مالیات بر کالاهای مصرفی است که سابقه تاریخی چندین هزارساله دارد. در کشورهای کهن از قبیل مصر، چین، هند و یونان این مالیات وجود داشته که برای چندین صد سال به دست فراموشی سپرده شده بود. بعد از جنگ جهانی اول این نوع مالیات مجدداً احیا شد و پس از جنگ بین‌الملل دوم نیز متجاوز از سی کشور به آن روی آوردند. علت پذیرش این نوع مالیات از طرف کشورهای جهان، بهره‌وری و سهل‌الوصول بودن آن است. برای کشورهایی که با هزینه‌های روزافزون روبرو هستند، مخصوصاً کشورهای در حال توسعه، این مالیات بسیار بااهمیت و مناسب است. در اهمیت این مالیات همین قدر بس که در کشور شوروی سابق حدود ۷۰٪ درآمدهای دولت از طریق مالیات بر فروش به دست می‌آمد. این رقم مربوط به قبل از جنگ جهانی دوم است. پس از جنگ بین‌الملل دوم رقم مذکور به ۶۰٪ تخفیف یافت. در کشورهای آلمان و فرانسه این نوع مالیات ۴۰٪ از درآمد این دو کشور را تشکیل می‌دهد. کشور ایتالیا ۲۴٪ از بودجه خود را از این طریق تأمین می‌کند. در کشور آمریکا فقط در سالهای ۱۹۸۰ بیش از ۵۰ میلیارد دلار از طریق مالیات بر فروش وصول نمودند. در کشور انگلیس یکی از مهم‌ترین منابع درآمد دولت این نوع مالیات محسوب می‌شود. در هندوستان این مالیات منحصر به مالیات ایالت‌هایی است که اکثر هزینه‌های خود را از طریق آن تأمین می‌کنند.

تعریف مالیات بر فروش

مالیات بر فروش عبارت است از درصد ثابت مالیات بر قیمت فروش کالا. مالیات بر فروش کالاها و خدمات که در یک یا چند مرحله توزیع وضع می‌گردد و ممکن است در هر بار مبادله کالا گرفته شود، مالیات عمومی فروش یا مالیات عمومی معاملات نام دارد. حالت دیگر این است که مالیات تنها بر انتقال مالکیت در یک وقت مشخص وضع گردد. مانند مالیات‌هایی که فقط از فروش تولیدکنندگان به عمده‌فروشان و یا از فروش عمده‌فروشان به خرده‌فروشان و یا به هنگام انتقال از جزئی‌فروشان به مصرف‌کنندگان وصول می‌شود.

در حقیقت مالیات بر فروش، مالیاتی است که به هنگام فروش هر کالا وضع می‌گردد و ممکن است بر کالاهای ویژه همانند بنزین، دخانیات، پارچه و یا فروش‌های جزئی و یا بر تمامی فروش‌ها تحمیل شود. فرض بر این است که مالیات‌هایی که از این طریق اخذ می‌شود به مصرف‌کنندگان دست آخر انتقال خواهد یافت. مغازه‌داران و مؤسسات فروشنده حالت یک نماینده یا رابط را برای اخذ مالیات دارا هستند. در حال حاضر در اکثر کشورهای جهان مالیات بر فروش به ۳ گروه تقسیم‌بندی شده است:

الف. مالیات‌بندی چندمرحله‌ای. این ترتیب هنگامی پدید می‌آید که مالیات‌بندی بر تمام مراحل تولید و توزیع اعمال شود. به عبارت دیگر مالیات‌ها در تمام مراحل دادوستد از بدو تولید تا مرحله فروش به مصرف‌کننده ادامه دارد. آنچه

در عمل دیده شده این است که ممکن است بعضی از این مراحل استثناء گردند یا نرخ مالیات کمتری وضع و اخذ شود.

ب. مالیات یگانه یا یک‌مرحله‌ای. این مالیات فقط در یک مرحله بر کالاهای مصرفی وضع و اخذ می‌شود. ممکن است این مرحله مربوط به عمده‌فروش، خرده‌فروش یا مصرف‌کننده باشد. ج. مالیات‌بندی بر ارزش افزوده. این مالیات ممکن است شامل حال هر دو نوع مالیات‌بندی فوق‌الذکر باشد و یا این که خاصیت هر دو نوع را دارا باشد. مالیات مورد بحث امکان دارد از نظر نرخ مالیات همانند مالیات‌بندی چندمرحله‌ای، ولی از لحاظ توزیع به‌طور جمعی حالت مالیات‌بندی یک‌مرحله‌ای را داشته باشد.

چگونگی مالیات بر فروش در تمام کشورها یکسان نیست. در کشورهایی که این مالیات را به عنوان تنها درآمد دولت انتخاب نموده‌اند، اخذ آن را بر مبنای وسعت و گسترش صحنه فعالیت موردنیاز قرار داده‌اند. در ایالات متحده آمریکا حداقل شش نوع مالیات بر فروش وجود دارد. در بعضی از کشورها مالیات مذکور فقط از تولیدکنندگان اخذ می‌گردد و در بعضی دیگر از عمده‌فروشان، و در جاهای دیگر از خرده‌فروشان گرفته می‌شود. در بسیاری از کشورها تا زمان‌های اخیر خرده‌فروشان از این مالیات مستثنی بودند. مالیات مورد بحث به‌طور کلی بر کالاهای مصرفی وضع و اخذ می‌شود، هرچند دیده شده که بعضی مواقع شامل خدمات هم شده است.

محسنات مالیات بر فروش:

مالیات بر فروش محسنات گوناگونی دارد که برخی از آنها به شرح زیراند:

الف. مالیات بر فروش و اثرات تشویقی آن
اصولاً مالیات‌بندی تشویقی عبارت است از برنامه مالیاتی که از طریق تغییر بنیادی یک نظام مالیات‌بندی و تغییر نرخ‌های مالیات و انتقال تعلق واقعی مالیات یا دیگر تحولات ضروری خواهد فعالیت کسب و کار و سرمایه‌گذاری را تشویق کند. واضح است که مالیات بر درآمد یا مالیات مستقیم این انگیزه تشویقی را با خود حمل نمی‌کند. اصولاً تصور می‌رود که مالیات بر درآمد مخصوصاً مالیات‌های تصاعدی سنگین، بر اقتصاد و سرمایه‌گذاری اثر معکوس می‌گذارد، به این دلیل که این مالیات بخشی از درآمد کل را جذب و از زده کاهش می‌دهد، ضمن این که فقد انگیزه و تشویق در مورد سرمایه‌گذاری موجب می‌شود که سرمایه‌گذاران آن طور که باید و شاید سرمایه‌گذاری ننمایند. این حالت در خصوص مالیات بر فروش صدق نمی‌کند، چون درآمد مورد نیاز مستقیماً تحت تأثیر مالیات قرار نمی‌گیرد و تقاضا برای کالاهائی که وسیله تولیدکنندگان ساخته می‌شود کم نمی‌شود.

همچنین درباره افرادی که درآمد خود را از طریق مزد و حقوق به دست می‌آورند، مالیات بر درآمد، قسمتی از درآمد کاری است که انجام داده‌اند. این مالیات موجب می‌شود انگیزه تشویقی برای پذیرفتن مشاغل، مخصوصاً درباره اضافه‌کاری، دگرگون شود. البته امکان

دارد که اگر فردی بخواهد زندگی خود را کسافی‌السابق ادامه دهد مجبور باشد کار بیشتری انجام دهد ولی درباره مالیات بر فروش این مطلب صدق نمی‌کند، به لحاظ این که مصرف‌کنندگان که کالائی را خریداری می‌کنند و مالیات کمی می‌پردازند این اندیشه‌ها را در ذهن ندارند و تنها وجه کمی را که به عنوان مالیات می‌پردازند در نظر می‌گیرند. به عنوان مثال اگر نصف درآمدی که فرد از طریق اضافه‌کاری به دست می‌آورد از طریق مالیات بر درآمد از او اخذ شود او از اضافه‌کار کردن خودداری خواهد کرد. ولی اگر سه چهارم از درآمدش برای خرید سیگار به خزانه دولت واریز شود به خرید کالای مورد نظر خود ادامه خواهد داد و اضافه‌کاری هم خواهد کرد.

ب: مالیات بر فروش و تشکیل سرمایه

طرفداران مالیات بر فروش معتقدند که این مالیات بعکس مالیات بر درآمد انگیزه تشویقی پس‌انداز را کاهش نمی‌دهد. بار مالیات بر فروش حداکثر بر دوش آنهائی است که مجبورند از مصرف صرف نظر کنند و نه پس‌اندازکنندگان. باز ناگفته پیداست که اگر مبلغی را که از طریق وضع مالیات به دست می‌آید از لحاظ مالیات بر درآمد و مالیات بر فروش با هم مقایسه نمائیم، پولی که از مالیات بر فروش به دست می‌آید، از درآمدهائی خواهد بود که برای مصرف در نظر گرفته شده‌است. در صورتی که در امر مالیات بر درآمد این طور نیست، به عبارت دیگر مالیات

مصرف را کاهش می‌دهد. روی هم رفته نسبت درآمد ملی از مالیات بر فروش بیش از درآمدی خواهد بود که از طریق مالیات بر درآمد به دست می‌آید ضمن این که نرخ تشکیل سرمایه از این

طریق بدون افزایش تورم هم در سطح بالاتری خواهد بود. این استدلال مخصوصاً برای کشورهای در حال توسعه که عموماً با کمبود

سرمایه و تشکیل آن روبرو هستند اهمیت دارد. مالیات بر فروش تا حدی موجب جلوگیری از افزایش استاندارد زندگی مردم می‌شود. به عبارت دیگر مالیات بر فروش از نظر افزایش و تشکیل سرمایه در کشورهای در حال توسعه مالیات مناسبی محسوب می‌شود. لذا می‌توان گفت مالیات بر فروش برای تشکیل و تجمع سرمایه برای کشورهای در حال توسعه مفید و مقرون به صرفه است.

ج: مالیات بر فروش به عنوان سهم بودن در امور دولت
علمای علم مالیه معتقدند که هدف اصلی تمام مالیات‌هایی که بر مصرف وضع و اخذ می‌شود آن است که مردم در امور دولت و کمک به آن سهم باشند. اگر دولت، منتخب مردم و برای

مردم است و قاطبه مردم از خدمات دولت بهره‌مند می‌شوند، طبیعی است که انتظار می‌رود همه به دولت کمک کنند و بار هزینه‌های جاری را به دوش کشند. اینجاست که می‌شود گفت فقط از

طریق مالیات بر مصرف است که همه می‌توانند به دولت کمک کنند. مالیات بر فروش تنها راهی است که دولت می‌تواند از فقیرترین فرد جامعه هم کمک

هدف اصلی تمام مالیات‌هایی که بر مصرف وضع و اخذ می‌شود آن است که مردم در امور دولت و کمک به آن سهم باشند. اگر دولت، منتخب مردم و برای مردم است و قاطبه مردم از خدمات دولت بهره‌مند می‌شوند، طبیعی است که انتظار می‌رود همه به دولت کمک کنند و بار هزینه‌های جاری را به دوش کشند

بگیرد. از طریق مالیات بر فروش است که فرهنگ اجتماعی بیدار می‌شود و مردم از اعمال و رفتار دولت خود آگاهی می‌یابند. می‌توانیم وضع کشور اسلامی ایران را مثال بزنیم، مردمی که انقلاب کردند مطمئناً برای نگاهداری از انقلاب خود حاضرند به هرگونه ایثار و فداکاری دست بزنند. کافی است که مردم را از مقاصد دولت آگاه نمود.

د: مالیات بر فروش و اجتماع متحرک

یکی از مباحث منطقی و مناسب در خصوص مالیات بر فروش همانا پیشنهاد وضع این مالیات برای جوامع متحرک، مخصوصاً شهرها و مراکز توریستی است. شاید بتوان ادعا کرد که این تنها طریقه‌ای است که می‌توان انتظار داشت اجتماع سیال در هزینه‌ها و خدماتی که دولت انجام

می‌دهد دین خود را ادا نماید. اجتماع سیال شامل تمام آن افرادی می‌شود که از روستاهای دوردست و از کشورهای دیگر به سوی شهرها می‌آیند نه برای ره‌ایش و سکنی، بلکه برای

دادوستد و کسب و کار موقت. بدیهی است که این افراد از پرداخت مالیات بر درآمد مالیات‌های مستقیم معاف هستند.

را کاهش دهد.

ب. مالیات بر فروش، هزینه‌ها را محدود می‌کند که این به نوبه خود منتج به کاهش فشار بر تقاضای اضافی و عرضه محدود خواهد شد. این

نکته قابل

یادآوری است که

وقتی مالیات

بیشتری بر

فروش کالاها

وضع شود، ممکن

است افراد یا

حقوق‌بگیران

از آنجا که مالیات بر فروش در زیر سرپوش قیمت کالاهایی که خریداری می‌شوند مخفی است، مردم به‌ندرت ملتفت پرداخت مالیات می‌شوند و فشاری را احساس نمی‌کنند. این مالیات به هنگام خرید کالا بطور ناخودآگاه پرداخت می‌شود

تقاضای دستمزد و حقوق بیشتری بنمایند. در چنین حالتی اگر تقاضاهای مربوط اجابت و پرداخت شود، اثر ضدتورمی این مالیات خنثی خواهد شد.

و: مالیات بر فروش و سهولت اخذ مالیات و وضع مدیریت

در اخذ مالیات بر فروش همانند دیگر مالیات‌ها فرض بر این است که این مالیات به آسانی و سهولت اخذ می‌گردد و مؤدیان هنگام پرداخت مالیات فشار زیادی احساس نمی‌کنند. از آنجا که مالیات بر فروش در زیر سرپوش قیمت کالاهایی که خریداری می‌شوند مخفی است، مردم به‌ندرت ملتفت پرداخت مالیات می‌شوند و فشاری را احساس نمی‌کنند، وانگهی این مالیات به هنگام خرید کالا بطور ناخودآگاه پرداخت می‌شود.

همچنین مالیات بر فروش را اگر با مالیات‌های بر

تنها طریقی که می‌توان از توریست‌های داخلی یا خارجی مالیاتی دریافت نمود، از راه دریافت مالیات بر کالاهای تولید شده مصرفی یا مالیات بر فروش است. کشور ایران از دیرزمان به عنوان کشور توریستی شناخته شده و توریست‌های بسیاری در این کشور مسافرت می‌کنند و از کالاهای دستی سنتی خریداری می‌نمایند. لذا از طریق اخذ مالیات بر فروش در شهرهای ایران می‌توان درآمد خوبی برای دولت به دست آورد.

ه: مالیات بر فروش به عنوان مقیاس یا عامل ضدتورمی

در زمان جنگ یا در شرایط تورم، مالیات بر فروش می‌تواند به عنوان عامل ضدتورمی عمل کند. این کار از دو طریق امکان‌پذیر است.

الف. ممکن است قدرت خرید مفرط در دست مردم

نقش مالیات بر فروش در کشورهای در حال توسعه

آنچه تا بحال بیان شد نقش مالیات بر فروش بطور عمومی یعنی نقش آن در کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته بود. ولی لازم است که نقش این نوع مالیات را در کشورهای در حال توسعه بطور جداگانه مورد بررسی قرار دهیم.

همانطوری که قبلاً اشاره شد مالیات بر فروش به اندازه مالیات بر درآمد از انگیزه تشویقی تشکیل و تجمع سرمایه و سرمایه‌گذاری جلوگیری نمی‌کند. در حقیقت هنگامی که مالیات بر فروش بر درآمدی که مخصوص مصرف است وضع شود تمایل یا حالت منع مصرف دارد که منتج به پس‌انداز بیشتر و تشکیل سرمایه می‌شود. این مطلب برای کشورهای در حال توسعه جالب توجه است. چون در این کشورها نیروی انسانی بیش از سرمایه و نیروی کار از نیروی سرمایه‌بر بیشتر مصرف می‌شود. افزایش سرمایه و سرمایه‌گذاری جدید بوسیله درآمد ناشی از مالیات بر فروش موجب افزایش سریع استاندارد عمومی زندگی مردم می‌شود.

موضوع دیگر این که مالیات بر فروش در کشورهای در حال توسعه ممکن است با افزایش نرخ سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد پولی مردم به عنوان یک عامل بازدارنده تورم مورد استفاده قرار گیرد. در حالی که عرضه کالا با سرعت کمتری افزایش می‌یابد و نمی‌تواند با تقاضا همگام باشد و خواهی نخواهی فشار تورمی

درآمد و مالیات بر هزینه مقایسه نمائیم مطمئناً سهل‌الوصول‌تر است. چرا که این مالیات از گروه محدودتری از مؤسسات تجاری و کسبه وصول می‌شود آن هم بر مبنای فروش کل بدون در نظر گرفتن جزئیات.

از نظر اجرائی و اداری، مالیات بر فروش برای کشورهای در حال توسعه بسیار مناسب است که در این زمینه در فصل‌های بعدی بحث خواهد شد. در این مرحله همین قدر کفایت بدانیم که کشورهای جهان سوم و در حال توسعه اکثراً به مناسبت سهل‌الوصول بودن و آسانی عمل و عدم امکان فرار از مالیات به این نوع مالیات روی آورده‌اند.

ز: مالیات بر فروش و کشورهای دارای سیستم فدرال

مالیات بر فروش برای کشورهایائی که با سیستم فدرال اداره می‌شوند بسیار مناسب و مفید است. در کشورهایائمانند آمریکا و هند که دارای حکومت فدرال هستند، حکومت مرکزی از مزایای مالیات بر درآمد استفاده می‌کند. اما استان‌ها و ایالات این‌گونه کشورها برای خود به درآمد جداگانه نیاز دارند و این درآمد می‌تواند از طریق برقراری مالیات بر فروش تأمین شود. لازم به یادآوری است که در بعضی از کشورها عکس این رویه صادق است. یعنی حکومت مرکزی بیشتر از حکومت‌های ایالتی از مالیات بر فروش استفاده می‌کند.

ظاهر می‌شود که در آن صورت با کمک مالیات بر فروش و دیگر مالیات‌ها می‌توان قدرت خرید اضافی مردم را جذب و تورم را منکوب نمود، ضمن این که تقاضای کالا و خدمات را هم کاهش داد. نباید فراموش نمود که این سیاست حدود و ثغوری دارد و لازم است حدود آنرا در نظر داشت.

دست آخر مالیات بر فروش می‌تواند مالیات مناسب و مفیدی برای کشورهای در حال توسعه باشد. در کشورهای در حال توسعه مردم با درآمدی پائین زندگی می‌کنند و ضمناً هزینه اخذ و وصول مالیات بر درآمد سنگین‌تر است، لذا مقرون به صرفه است که این کشورها به مالیات بر فروش توجه بیشتری مبذول دارند.

دوم این که در این کشورها استاندارد مباشرت و مدیریت مالیاتی مبهم و پیچیده است. فرهنگ و درک اجتماعی بصورت مطلوب توسعه نیافته، و پرداخت مالیات را نوعی باج می‌دانند و لذا وصول صحیح و مؤثر و واقعی مالیات بر درآمد و دیگر مالیات‌های مستقیم صورت نمی‌گیرد. در چنین شرایطی مالیات بر فروش می‌تواند کارآمد و مؤثر واقع شود. شاید بتوان گفت علت این که اکثر کشورهای در حال توسعه به این مالیات این قدر اهمیت می‌دهند همین باشد.

مالیات بر فروش به عنوان یک ابزار ضدتورمی و سیاست مالی

گفته شد که مالیات بر فروش را می‌توان برای منع

مصرف مورد استفاده قرار داد که خود می‌تواند ابزار کمکی در سیاست مالی برای کنترل فشار تورم باشد. در گذشته اقتصاددانان و سیاستمداران مالیات بر فروش را فقط از زاویه درآمد موردبررسی و استفاده قرار می‌دادند و هرگز به فکر استفاده از آن به عنوان یک ابزار کمکی برای سیاست مالی نبودند. فقط از زمان جنگ جهانی دوم به بعد به اهمیت آن بعنوان وسیله ضدتورمی و سیاست مالی پی بردند.

جالب توجه است که مالیات بر فروش که گمان می‌رود دافع و مقابله‌کننده با گرانی و افزایش قیمت (تورم) باشد، خود فزاینده افزایش در قیمت‌ها است. چگونه ممکن است مالیات‌هایی که فزاینده قیمت‌ها است مانع تورم یا ضدتورم باشد؟ برای حل این مسئله ظاهراً مهملاً نما یا متناقض، لازم است بین افزایش قیمت‌ها که به واسطه وضع مالیات بر فروش بوجود می‌آید و افزایش قیمت‌ها که آن را به عنوان تورم می‌شناسیم تفکیک بعمل آید.

مالیات بر فروش قیمت کالاهای مصرفی را افزایش می‌دهد و نتیجتاً قدرت خرید واقعی جامعه را کاهش می‌دهد. وانگهی این مالیات مستلزم افزایش قیمت کالاها بدون افزایش قیمت عوامل تولید و مواد اولیه می‌شود، در صورتی که تورم مستلزم افزایش هر دو یعنی قیمت کالاها و قیمت عوامل تولید خواهد بود که موجب افزایش اضافی درآمد پولی می‌گردد و این به نوبه خود منجر به افزایش تورم بیشتر خواهد شد. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مالیات بر فروش

سعی بر آن دارد که تقاضا و مصرف را از طریق افزایش قیمت ها کنترل نموده و کاهش دهد. در حالی که افزایش قیمت ها بوسیله تورم منجر به تراکم بوسیله افزایش قیمت کالاها و قیمت عوامل تولید به انضمام درآمد پولی می شود.

توانائی و صلاحیت مالیات بر فروش بعنوان یک عامل ضدتورمی منوط به یک شرط است و آن این است که وقتی مالیات بر فروش برای جلوگیری از تقاضای مردم برای کالاهای مصرف نهائی وضع و اخذ می گردد، به هیچ وجه

موجب

افزایش قیمت عوامل تولید نگردد. اگر تقاضا برای مزد و حقوق بواسطه وضع

مالیات بر فروش برای این که مردم را از مصرف باز دارد و تشویق منفی نماید لازم است حتی المقدور پوشش بسیار گسترده و وسیع داشته باشد. پوشش همگانی تمام کالاها و حتی خدمات

مالیات و به دنبال آن افزایش یابد و موردقبول واقع گردد، اثرات افزایش مزد و حقوق بصورت افزایش قیمت ها منعکس خواهد شد که در آن صورت اثرات مالیات بر فروش همانند اثرات تورمی در قیمت خواهد بود یعنی در حقیقت بجای آن که مالیات بر فروش تورم را منکوب کند افزایش تورمی در قیمت ها را تحریک می کند.

برای استفاده از مالیات بر فروش بعنوان یک عامل بازدارنده و ضدتورمی لازم است به چند نکته توجه داشت:

الف. مالیات بر فروش باید فقط در مرحله خردهفروشی وضع و اخذ شود. این گونه مالیات

دارای این مزیت است که به عنوان یک مقیاس ضدتورمی محسوب می شود. چون مالیات جداگانه اخذ می شود، مشتری آگاهانه مالیات می پردازد و بار و سنگینی مالیات را هم حس نمی کند. استفاده از مرحله خردهفروشی برای وضع و اخذ مالیات اهرم بندی مالیات را به حداقل می رساند.

ب. مالیات بر فروش برای این که مردم را از مصرف باز دارد و آنان را در این زمینه تشویق منفی نماید لازم است حتی المقدور پوشش بسیار

گسترده و وسیعی داشته باشد، چنان پوشش همگانی که تمام کالاها و حتی خدمات را دربر گیرد. البته نباید فراموش نمود که این کار از

نظر اخلاقی و سیاست مقدور نیست کاملاً عملی شود و استثنائاتی وجود دارد.

ج. برای بدست آوردن یک راه حل و طرح مناسب توزیع هزینه های عمومی و یا برای تشویق منفی از بعضی از کالاهای مصرفی که با عرضه محدود و مفرط روبرو می باشد، لازم است نرخ مناسب فاصله گیری در نظر گرفته شود.

د. و بالاخره نکته دیگری که لازم است مورد رعایت قرار گیرد این است که ترتیبی داده شود که کالاهای سرمایه ای از پوشش این مالیات مستثنی گردد و مالیات مورد بحث فقط شامل کالاهای مصرفی شود.

برتری مالیات بر فروش به عنوان ابزاری برای کنترل تورم

با کاهش مصرف از طریق مالیات بر فروش، این مالیات در واقع انگیزه‌ای برای پس‌انداز بوجود می‌آورد ولی تأثیر چنین خط مشی منوط به تعیین نرخ مالیات، مدتی که آن مالیات قرار است دائر باشد و غیره می‌باشد. اگر مالیات دقیقاً برای کنترل تورم وضع شود و اگر به مردم تفهیم شود که این مالیات موقتی است و به محض این که

تورم منکوب شود این مالیات حذف خواهد شد، تأثیر آن برای تسوویق از مصرف قوی خواهد بود.

اثر مالیات بر فروش برای کاهش عمومی هزینه‌های مصرف‌کنندگان در زمینه خرید، بستگی به شمول و پوشش آن دارد. بعنوان مثال اگر بعضی از اقلام کالاها از پرداخت مالیات مستثنی شوند، مصرف‌کنندگان از خرید کالاهای مشمول مالیات خودداری نموده به کالاهای معاف از مالیات روی خواهند آورد که در آن صورت هزینه‌های مصرف کاهش نخواهد یافت و فشار تورمی کماکان باقی خواهد ماند. از نظر کاهش و منکوب نمودن تورم حتی البسه، اغذیه و دیگر ملزومات زندگی هم نباید از پرداخت مالیات

بر فروش مستثنی باشد. ضمن این که لازم است طبقه مستضعف و کم درآمد جامعه از بار بیش از حد مالیات معاف باشند. بنابراین مشاهده می‌شود که مالیات بر فروش از نقطه نظر هزینه‌های منع مصرف بر دیگر مالیات‌ها ارجحیت دارد.

یکی دیگر از عواملی که مالیات بر فروش را شایستگی بخشیده است، آن است که به مصرف‌کننده آگاهی می‌دهد که هنگام خرید چه مبلغ به عنوان مالیات می‌پردازد. این بدان علت

است که هنگامی که مصرف‌کننده کالائی را خریداری می‌کند پرداخت مبلغ مالیات بر فروش مستقیماً با آن تسوأم است و مصرف‌کننده آگاهی

از نظر کاهش و منکوب نمودن تورم حتی البسه، اغذیه و دیگر ملزومات زندگی هم نباید از پرداخت مالیات بر فروش مستثنی باشد، ضمن این که لازم است طبقه کم درآمد جامعه از بار بیش از حد مالیات معاف باشند

حاصل می‌کند که اگر از خرید کالای مورد نظر صرف نظر کند، از پرداخت مالیات برای خرید آن کالا معاف خواهد بود. در صورتی که در مورد مالیات بر درآمد مستقیماً رابطه‌ای بین خرید کالا و مالیات وجود ندارد.

بار مالیات بر مصرف را صرفاً آنهایی بر دوش خواهند کشید که کالائی را خریداری و مصرف می‌کنند. به عبارت دیگر کسانی این مالیات را می‌پردازند که به طور نسبی درصد بیشتری از درآمد خود را برای به دست آوردن کالاهای مصرفی خرج می‌کنند. البته این قاعده شامل حال فامیل‌های پرجمعیت و افراد کم‌درآمدی می‌شود

با میزان درآمد ندارد.

طرح مالیات بر فروش

مالیات بر فروش، با چارچوب قدیمی و پوشش جدید در اکثر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد توجه قرار دارد. از علل پذیرش این طرح یکی سهل الوصول بودن آن است. دیگر این که گریز از مالیات، کوشش غیرقانونی برای طفره رفتن و اجتناب از مالیات و کتمان اطلاعات لازم در برابر مقامات مسئول وجود ندارد.

برای تحقیق درباره این طرح لازم است از یک یا چند کشور که در این زمینه تجربه دارند و موفق بوده‌اند الگو گرفت. کشورهای شوروی، آمریکا، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و هند پس از جنگ جهانی اول به این نوع مالیات توسل جسته‌اند و قسمتی از هزینه‌های دولت را از طریق این مالیات تأمین نموده‌اند. بنظر اینجانب کشور ما ایران به چند جهت می‌تواند از کشور همسایه خود هندوستان الگو بگیرد. اول این که این کشور بواسطه دوستی با کشورمان به آسانی تجارب حاصله را ممکن است در اختیار ما قرار دهد. دوم این که این کشور یکی از کشورهای در حال توسعه است و مسائل مشابهی همانند مسائل کشور ما دارد. سوم این که برای کسب اطلاعات و تجارب لازم نیست هزینه‌های گزافی متحمل شویم.

که میل به مصرف در آنها زیاد است. این گروه به ندرت یا هرگز در دامنه رسیدگی مالیات بندی بر درآمد قرار نمی‌گیرند. وانگهی این گروه از فامیل‌های پرجمعیت و کم درآمد مجبور خواهند بود با مقایسه با افراد پردرآمد از تقاضای خود برای خرید کالاهای مصرفی بکاهند. بدیهی است که سنگینی مالیات بر درآمد بر دوش طبقه کم درآمد احساس خواهد شد، اما باید توجه داشت که در اینجا بحثی از عدالت، انصاف، و تساوی حقوق نیست، بلکه موضوع کنترل تورم مطرح است که در این مورد خاص هدف اصلی را تشکیل می‌دهد.

نتیجتاً همانطوری که قبلاً در مورد مالیات بر درآمد گفته شد، این نوع از مالیات بواسطه این که درآمد اضافی را خودبخود به صورت مالیات جذب می‌نماید نه فقط حالت تشویقی برای انجام فعالیت اضافی ندارد، بلکه جنبه ضد تشویقی هم دارد، به طوری که سبب می‌شود که افراد از انجام اضافه کاری خودداری کنند، اما مالیات بر فروش بواسطه این که تا آن زمانی که درآمد برای کالاهای مصرفی و کالاهای مشمول مالیات خرج نشود لازم نیست پرداخت گردد، بنابراین هنگامی که فرد می‌خواهد تصمیم بگیرد که کار بیشتری بعنوان اضافه کاری انجام دهد و درآمد بیشتری به دست آورد، لازم است که بدهی‌های خود در مورد مالیات بر درآمد متعلق را در نظر داشته باشد و نه مالیات بر فروش را که ارتباطی



ایترنت

و آثار آن در جنبه‌های مالیاتی معاملات بین‌المللی

ترجمه و تلخیص از: دکتر علی اکبر عرب مازار

نویسنده مقاله (David R. Tillinghast) ریاست کمیته دائمی انجمن مالی بین‌المللی را بر عهده دارد. آنچه وی به رشته تحریر درآورده، مشکلی است که انقلاب معاصر در زمینه ارتباطات برای مدیران مالیاتی کشورهای پیشرفته در این سال‌های پایانی قرن بیستم پدیدآورده است، مشکلی که در قرن آینده با دامنه‌ای بس گسترده تر و پیچیده‌تر به اغلب ممالک جهان تسری خواهد یافت.

فرض در موارد بسیاری درستی و قابلیت تحقق خود را از دست بدهد. روز بروز بر شمار فراورده‌هایی که به مفهوم سنتی آن غیر فیزیکی محسوب می‌شوند، در عرصه داد و ستد جهانی افزوده می‌شود. فرضاً در ایالات متحده آمریکا بیش از نیمی از هزینه‌های سرمایه‌ای صرف تکنولوژی اطلاعاتی می‌شود و تازه این غیر از مبالغی است

مقررات بین‌المللی مالیاتی زمان ما، که ضمن قوانین داخلی کشورها و قرارداد‌های مالیاتی بین‌المللی مندرج است، غالباً بر این فرض مبتنی است که تجارت جهانی به شکل نقل و انتقال فیزیکی کالاها یا عرضه‌کنندگان خدمات از کشوری به کشور دیگر صورت می‌پذیرد. اما گسترش شبکه اطلاعاتی اینترنت و وسایل ارتباطی مربوط به آن سبب شده است که این

که برای تهیه و وسایل حاوی نرم افزار پرداخت می شود. شمار قابل توجهی از معاملاتی که در گذشته با انتقال و جابجائی فیزیکی کالاها توأم بود دیگر این حالت را ندارند. به عنوان مثال هر علاقمند به خواندن جراید با داشتن یک کامپیوتر، یک مودم و یک نرم افزار مناسب می تواند مجلات و روزنامه های بسیاری را مطالعه کند، بی آنکه لازم باشد این کالای خاص از مکانی به مکان دیگر منتقل شود تا به دست او برسد.

حتی در مواردی هم که نقل و انتقال فیزیکی کالاها ضرورت دارد، فرایند معاملات بسیار دگرگون شده است. خریدار غالباً کالا را از طریق ارتباط کامپیوتری سفارش می دهد و

شمار قابل توجهی از معاملاتی که در گذشته با انتقال و جابجائی فیزیکی کالاها توأم بود دیگر این حالت را ندارند. حتی در مواردی هم که نقل و انتقال فیزیکی کالاها ضرورت دارد، فرایند معاملات بسیار دگرگون شده است. خریدار غالباً کالا را از طریق ارتباط کامپیوتری سفارش می دهد و با فروشنده یا واسطه مربوط از همین طریق به بحث و چانه زدن می پردازد

با فروشنده یا واسطه مربوط از همین طریق به بحث و چانه زدن پیرامون کمیت، کیفیت، قیمت و سایر شرایط معامله می پردازد. علاوه بر این غالباً ردگیری موقعیت جغرافیائی کامپیوتر فروشنده بسیار مشکل است. هر مؤسسه تجارتي می تواند از سرویس دهنده های مختلفی استفاده کند که هر یک از آنها نیز به توبه خود می توانند در هر نقطه ای مستقر شوند. تعیین محل انجام این گونه خدمات روز بروز

مشکل تر می شود و نیاز به دیدار و تماس حضوری خریدار و واسطه ها نیز مداماً کاهش می یابد. حتی یک خدمت واحد ممکن است با اشتراک مساعی مجموعه ای از افراد ارائه شود که در نقاط دور از یکدیگر مستقر هستند. یک مثال ساده می زنیم. فرض کنید شخص یا مؤسسه ای که نرم افزار خاصی را خریداری کرده، در استفاده از آن دچار اشکال شده به اصطلاح بخواهد از آن اشکال زدائی (debug) کند. وی می تواند

از خط ارتباط کامپیوتری فروشنده برای انجام مقصود خود استفاده نماید. در این حالت مؤسسه فروشنده بر حسب مورد ممکن است وی را

با متخصصی مرتبط سازد که در هر نقطه ای از جهان می تواند قرار داشته باشد. رفع مشکل نیز به صورت انتقال برنامه های معین کامپیوتری صورت می گیرد و نیازی به تماس حضوری و حرکت فیزیکی ارائه کنندگان خدمت ندارد. به طور خلاصه فرض های سنتی در باب طرق انجام معاملات و تجارت با حقایق مربوط به خدمات و اموری که از طریق اینترنت صورت می پذیرد تناسب و مشابهتی ندارد.

سیستم‌های مالیاتی جاری و قراردادهای مالیاتی معاصر معمولاً سه رشته درآمد اساسی را از یکدیگر متمایز می‌سازند: درآمد حاصل از فروش اموال منقول، انجام خدمات، و ارائه حقوق و دارائی‌های غیر ملموس که دارائی‌های معنوی از آن جمله است. اما اگر ما از مؤسسه‌ای صرفاً اطلاعات دریافت داریم، چنین تبدالی مشمول کدام یک از فقرات و حالات فوق است؟ آیا ما کالا خریداری کرده‌ایم؟ آیا اطلاعات و نرم‌افزاری که دریافت داشته‌ایم،

به منزله استقاده از حق‌الامتیاز و حقوق مؤلف است؟ و بالاخره با چنین تبدالی آیا ما خدمتی را خریداری کرده‌ایم؟ ورود اینترنت و وسایل مشابه آن به

عرصه ارتباطات جهانی تمایز بین این حالات را دشوار ساخته و در پرده‌ای از ابهام و اختلاط فرو برده است.

بر حسب قواعد کلاسیک مناسبات بین‌المللی مالیاتی، صلاحیت اخذ مالیات و در نتیجه درآمد مالیاتی بین کشوری که درآمد در آنجا تحصیل شده (کشور منبع) و کشوری که مؤدی مقیم آنجا است (کشور محل اقامت) منقسم می‌گردد. هر گاه فعالیت مولد درآمد به طور فیزیکی در کشور

منبع انجام شود، مشابه حالتی عمل می‌شود که کسب و کار مربوط در کشور منبع استقرار دارد، یعنی مالیات کشور منبع شامل درآمد حاصل از چنین فعالیت‌هایی می‌شود. اما اگر درآمد مورد نظر از واگذاری حقوق و امتیازات توسط مقیم یک کشور به استفاده کنندگان کشور دیگر به دست آید و یا نتیجه سرمایه‌گذاری در کشور ثانی باشد، در چنین حالاتی بحث مالیات تکلیفی به میان می‌آید و از درآمد مربوط، مالیات در منبع توسط پرداخت

سیستم‌های مالیاتی جاری معمولاً سه رشته درآمد اساسی را از یکدیگر متمایز می‌سازند: درآمد حاصل از فروش اموال منقول، انجام خدمات، و ارائه حقوق و دارائی‌های غیر ملموس که دارائی‌های معنوی از آن جمله است. ورود اینترنت و وسایل مشابه آن به عرصه ارتباطات جهانی تمایز بین این حالات را دشوار ساخته و در پرده‌ای از ابهام و اختلاط فرو برده است.

کننده درآمد کسر و به مراجع مالیاتی کشور منبع تأدیبه می‌گردد. در باقی حالات ضابطه «اقامت» مطرح است و هر صاحب در آمدی مالیات خود را به کشور

محل اقامت خویش (به مفهوم مالیاتی آن) می‌پردازد. کنوانسیون مدل اجتناب از اخذ مالیات مضاعف سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) که از جانب بسیاری کشورها مورد تقلید و تبعیت می‌باشد، متضمن قواعدی از همین قرار است.

تحولات حاصل از کاربرد اینترنت نیاز به حضور فیزیکی فرستنده یا عرضه کننده خدمات را همان گونه که گفتیم شدیداً کاهش داده، و با اختلاط و

ابهامی که وضعیت جدید در تشخیص حالات کلاسیک مالیاتی پدید آورده، بیم آن می‌رود که ترتیبات فوق متحول گردد و به طور خاص صلاحیت اخذ مالیات و درآمد مالیاتی را به طور عمده متوجه کشور محل اقامت مؤدی یعنی عرضه کنندگان این گونه خدمات سازد. این نکته به ویژه از نظر کشورهای در حال توسعه می‌تواند نگران کننده باشد، زیرا بخش بسیار عظیم این گونه تبادل اطلاعات از کشورهای پیشرفته به سوی ممالک رو به توسعه جریان دارد، و در نتیجه کفۀ درآمد مالیاتی را به سود گروه نخست تغییر می‌دهد. با توسعه روزافزون تکنولوژی اطلاعاتی و گسترش عظیمی که در زمینه این گونه روابط اجتناب ناپذیر است، می‌توان عدم تعادل بسیار قابل توجهی را به زیان درآمدهای مالیاتی کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی نمود.

مهم‌ترین پرسشی که با توجه به ملاحظات فوق مطرح می‌شود، این است که آیا می‌توان مفاهیم و موازین کنونی حاکم بر مناسبات بین‌المللی مالیاتی را با تعبیرات و تدابیری بر اوضاع و احوال جدید منطبق ساخت، چنان که موارد ابهام و عدم تعادل مورد بحث را مرتفع و جبران نماید، یا این که لازم است قواعد تازه‌ای را در این زمینه ابداع کرد و به یاری آنها به رفع مشکل پرداخت؟ اگر بخواهیم از حالت کلی بحث خارج شده و موارد خاص متأثر از این جریان را بررسی کنیم، باید پیش از هر چیز به مقررات راجع به مؤسسه ثابت در قراردادهای بین‌المللی اجتناب از اخذ

مالیات مضاعف پردازیم^(۱). به موجب قراردادهای مالیاتی که بر مبنای کنوانسیون مدل OECD تدوین یافته، سود کسب و کار مؤسسه مقیم یکی از کشورهای متعاقد در کشور دیگر متعاقد تنها در صورتی مشمول مالیات قرار خواهد گرفت، که مؤسسه مذکور در کشور ثانی دارای یک مؤسسه ثابت (Permanent establishment) باشد و سود حاصل را بتوان ناشی از فعالیت چنان مؤسسه ثابت دانست. مؤسسه ثابت اصولاً می‌تواند به شکل تسهیلات فیزیکی، یعنی وجود محل ثابت کسب و کار یا وجود عامل مؤسسه اصلی در کشور منبع درآمد تجلی کند.

حال فرض کنید که مؤسسه مقیم کشور نخست در کشور ثانی (که مقیم آنجا به حساب نمی‌آید) دارای یک «خدمت دهنده میزبان» (host server) است، یعنی در آن کشور کامپیوتری دارد که از طریق آن هر گونه اطلاعات پیرامون فرآورده‌های خود را در اختیار مشتریان قرار می‌دهد. مشتریان با این کامپیوتر تماس حاصل می‌کنند تا اطلاعات لازم را به دست آورند و از همان طریق سفارش‌های لازم را بدهند. در واقع مانند این است که مشتری با ملاحظه اطلاعات

۱- برای آگاهی بیشتر مقاله «بررسی تحلیلی و تطبیقی پیرامون قراردادهای جدید مالیاتی ایران» در شماره‌های ۱۴ و ۱۵ مجله مالیات ملاحظه شود.

مندرج در کاتالوگ کالا، هر مقدار و هر نوع جنسی را که انتخاب می‌کند سفارش بدهد.

در این که می‌توان این دستگاه را به منزله یک «سایت» ویژه تلقی کرد و در نتیجه قائل به وجود «مؤسسه ثابت» در کشور میزبان گردید، دشواری خاصی به نظر نمی‌رسد. در چنین حالتی ظاهراً تکلیف قضیه روشن به نظر می‌رسد، یعنی در صورت وجود درآمدی که آن را بتوان به مؤسسه ثابت مورد بحث نسبت داد، قاعده درآمد

مذکور تابع مالیات کشور میزبان خواهد بود. اما مشکل بر سر این است که به موجب همان کنوانسیون مدل OECD و بسیاری از قراردادهای

از شمول عنوان مؤسسه ثابت خارج می‌شود و کشور میزبان حقی بر وضع مالیات بر چنین فعالیت‌هایی را نخواهد داشت. طبیعی است که با این اوصاف باب مناقشه در باب این که کامپیوتر مورد بحث یک مؤسسه ثابت هست یا نه و در نتیجه کشور میزبان محق به دریافت مالیات است یا خیر، باز می‌شود.

از سوی دیگر کنوانسیون OECD حالتی را پیش‌بینی کرده که شخص حقیقی یا حقوقی به

نماینده‌گی از سوی مؤسسه تجارتي کشور اصلی، در کشور میزبان به فعالیت بپردازد. وجود چنین شخصی حتی بی آنکه دفتر یا محل ثابت دیگری برای انجام فعالیت‌های نمایندگی خود

بخش عظیم تبادل اطلاعات از کشورهای پیشرفته به سوی ممالک رو به توسعه جریان دارد، و در نتیجه کفه درآمد مالیاتی به سود گروه نخست تغییر می‌یابد. با توسعه مداوم تکنولوژی اطلاعاتی و گسترش عظیمی که در زمینه این گونه روابط اجتناب‌ناپذیر است، می‌توان عدم تعادل قابل توجهی را به زیان درآمدهای مالیاتی کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی نمود.

داشته باشد. دال بر وجود مؤسسه ثابت و دلیل بر تعلق مالیات کشور میزبان می‌باشد (بند ۵ ماده ۵ کنوانسیون). اکنون اگر مشتری پس از چانه زدن از طریق همین کامپیوتر به شخص یا مؤسسه خدمت دهنده کامپیوتری که نمایندگی فروشنده اصلی را دارد، خرید کالایی را سفارش دهد، باز پای بحث و ابهام به میان می‌آید که آن سفارش‌گیرنده را می‌توان مصداق بند ۵ ماده ۵ کنوانسیون OECD دانست یا خیر. از کالا که

مالیاتی زمان ما، استثنائاتی بر قاعده کلی یاد شده وارد شده است. این موارد مربوط به فعالیت‌هایی هستند که به منظور تهیه مقدمات یک کار اصلی و کمک به انجام آن صورت می‌پذیرد و فرع بر فعالیت اصلی به حساب می‌آید. از جمله اگر محل ثابتی ایجاد و اداره شود که منظور از آن صرفاً انبار کردن یا نمایش کالا باشد، بی آن که در آن کالایی به معرض فروش گذارده شود (بند ۴ ماده ۵ کنوانسیون مدل OECD)، در چنین حالتی مورد

بگذریم در مورد دادوستد اطلاعات نیز ابهاماتی از همین گونه می‌تواند بروز کند. اگر اطلاعات واگذاری از طریق اینترنت را نوعی انجام خدمت تلقی کنیم، آنگاه به موجب کنوانسیون مدل OECD (ماده ۱۴) چنین خدماتی مشمول مالیات کشور منبع درآمد نخواهد بود، مگر این که ارائه دهنده خدمت یک پایگاه ثابت در کشور منبع در اختیار داشته و از طریق آن به ارائه خدمات خود بپردازد. در اوضاع و احوال فعلی مناسبات

کامپیوتری چنین

شرطی به ندرت می‌تواند محقق شود. البته در قوانین پاره‌ای از کشورها اخذ نوعی مالیات تکلیفی از وجوه قابل پرداخت بابت خدمات ارائه شده از منابع خارجی پیش‌بینی شده

است، ولی مقررات کنوانسیون مدل OECD به نحوی است که ملاحظه کردیم.

هرگاه واگذاری اطلاعات به شرح فوق را با واگذاری حق استفاده از حق امتیاز مشابه دانسته و از این زاویه به جنبه مالیاتی آن بنگریم، در آن صورت باز هم به موجب همان کنوانسیون (ماده ۱۲) درآمد حاصل مشمول مالیات کشور متعاهدی است که مؤدی مقیم آن است، مگر این

که صاحب حق امتیاز نوعی مؤسسه یا پایگاه ثابت در کشور منبع درآمد داشته و کار واگذاری را به نحوی از طریق آن انجام داده باشد.

گذشته از این مسائل که از دید حقوقی مطرح است و می‌تواند سبب محرومیت کشور منبع از تمام یا بخش قابل توجهی از درآمدهای مالیاتی مورد بحث شود، مشکلات عملی کنترل پرداخت‌ها نیز قابل توجه است. امروزه تسویه محاسبات از طریق اینترنت نیز مطرح است و با این فعل و انفعال

توانائی مقامات مالیاتی در کنترل پرداخت‌ها کمتر می‌شود. در سمیناری که چندی قبل تحت عنوان «تصویر سیستم‌های مالیاتی در قرن بیست و یکم» از سوی مؤسسه

در سمیناری که چندی قبل تحت عنوان «تصویر سیستم‌های مالیاتی در قرن بیست و یکم» از سوی مؤسسه مالی بین‌المللی در ژنو برگزار شد، مروین کینگ (Mervyn King) اقتصاددان ارشد بانک انگلیس پیش‌بینی کرد که در آینده بانک‌های مرکزی به منظور حفظ توانائی خود در تنظیم عرضه پول در صدد بر خواهند آمد که پرداخت‌های انجام شده از طریق اینترنت را تحت نظارت قرار دهند.

مالی بین‌المللی در ژنو برگزار شد، مروین کینگ (Mervyn King) اقتصاددان ارشد بانک انگلیس پیش‌بینی کرد که در آینده بانک‌های مرکزی به منظور حفظ توانائی خود در تنظیم عرضه پول در صدد بر خواهند آمد که پرداخت‌های انجام شده از طریق اینترنت را تحت نظارت قرار دهند. همه آنچه گفتیم از دید منافع مالیاتی کشور منبع بود. اما از جهت کشور محل اقامت ارائه دهندگان

خدمات و اطلاعات مورد بحث نیز دشواری‌های زیادی وجود دارد. فرض کنید در همان مثال مربوط به اشکال زدائی از نرم‌افزار مورد معامله، مشتری مقیم آرژانتین باشد و خدمات از طریق سه کارشناس مقیم آلمان، آمریکا و ژاپن ارائه شود. حتی بدون در نظر گرفتن مشکلات عملی کنترل پرداخت‌ها و دشواری‌های مشابه آن، صرفاً از نظر قانونی پی بردن به این نکته که هر یک از این کارشناسان به چه نسبت در رفع اشکال قضیه مؤثر بوده‌اند، بسیار مشکل می‌باشد.

اوضاع و احوال موجود حاکی از آن است که رفع این گونه مشکلات مالیاتی که از وجود اینترننت و روابط کامپیوتری ناشی می‌شود، لااقل تاکنون با دشواری همراه بوده و پاسخ و رویه مناسبی هنوز در این زمینه شکل نگرفته است. بنابراین سیستم‌های مالیاتی موجود ناچاراند یک دوره تطبیق با شرایط جدید را از سر بگذرانند، که این جریان هم‌اکنون تا حدودی آغاز شده است. کشورهای جهان باید تصمیم بگیرند که این فرآیند تطبیق و تعدیل را با حفظ موازین و نهادهای مالیاتی موجود انجام دهند یا با کنار نهادن آنها و توسل به نوآوری‌هایی که آنان را در این طریق یاری دهد. اتخاذ هر یک از این دو شیوه مستلزم پژوهش و بررسی و گذراندن مراحل آزمایشی متعدد است. در این میان یک نکته مسلم است و آن این که همکاری بین‌المللی بالاتر دید جهت یک گذار آرام و

معقول به مرحله تطبیق با شرایط نوین حائز ضرورت می‌باشد. اگر کشورها، یا گروه‌های مختلف کشورها، هر یک به راه خود روند نتیجه چیزی جز یک هرج و مرج مالیاتی نخواهد بود. فرضاً اگر برخی از کشورها بخواهند مشکل را با وضع مالیات‌هایی بر استفاده از کامپیوتر بدون توجه به میزان درآمدهای واقعی حل کنند، و گروه دیگر در صدد برآیند که جنبه درآمدی قضیه را حفظ کنند اما مبانی تازه‌ای برای تعلق مالیات در منبع برقرار سازند، و بالاخره دسته دیگری بخواهند قواعد و موازین مالیاتی موجود را کماکان برای خود نگاه دارند، در آن صورت بروز موج عظیمی از دشواری‌های ناشی از اخذ مالیات مضاعف، ناگزیر خواهد بود.

هم اکنون محافلی کار پژوهش در این زمینه را آغاز کرده‌اند که از آن جمله می‌توان از کمیته مالی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی OECD و انجمن مالی بین‌المللی نام برد. برخی دولت‌ها نیز مطالعات مستقلی را در این زمینه انجام می‌دهند. البته پیش‌بینی میزان موفقیت این گونه کوشش‌ها کار آسانی نیست، اما شروع و ادامه کار در این زمینه از ضرورت بسیار برخوردار است، زیرا بدون آن ممکن است در آینده نه چندان دور شاهد بروز نارسائی‌های بسیار در سیستم مالیاتی بین‌المللی گردیم، که این سیستم با وجود نواقصی که دارد تاکنون نقش شایسته‌ای در رفع مشکلات اقتصاد جهانی ایفاء نموده است.

ایام مرخصی استفاده نشده

محمد حسین سید زمانی

می‌دارد:

«درآمدی که شخص حقیقی در خدمت شخص دیگر (اعم از حقیقی یا حقوقی) در قبال تسلیم نیروی کار خود بابت اشتغال در ایران حسب

مدت یا کار انجام

یافته به طور نقد یا

غیر نقد تحصیل

می‌کند مشمول

مالیات بر درآمد

حقوقی است»

به همین سبب از حیث

مالیاتی چنین درآمدی

تابع احکام همین

دریافتی کارکنان بابت خدمتی که طی ایام مرخصی استفاده نشده خود انجام می‌دهند، مبتنی بر قرارداد (هرچند شفاهی) جداگانه‌ای است که بین آنان و کارفرما برای این گونه خدمت خاص منعقد می‌شود.

در بسیاری از شرکت‌ها و مؤسسات رسم بر این جاری است که کارفرمایان می‌توانند در صورت نیاز و موافقت کارکنان، از اعطاء مرخصی استحقاقی به ایشان خودداری کرده و در ازاء

استفاده از کار آنان

طی ایام مرخصی،

حقوق و مزایای

معمول چنین افرادی

را همانند اوقات دیگر

سال پرداخت نمایند.

این‌گونه پرداخت قطعاً

مشمول عنوان «درآمد

حقوقی» مذکور در

فصل سوم از باب سوم قانون مالیات‌های مستقیم می‌باشد، زیرا درآمدی است که در ازاء تسلیم نیروی کار حاصل می‌گردد. متن ماده ۸۲ قانون مذکور که راجع به همین مقوله است، مقرر

بخش از قانون مالیات‌ها می‌باشد.

اما درآمد حقوق مذکور در فصل سوم یادشده

خود به دو نوع مشخص تقسیم می‌شود که یکی

عنوان «حقوق اصلی» را دارد و دیگری از عنوان

مزایا برخوردار است. ماده ۸۲ از همان فصل می‌گوید:

«درآمد مشمول مالیات حقوق عبارت است از حقوق (مقرری یا مزد یا حقوق اصلی) و مزایای مربوط به شغل اعم از مستمر و یا غیر مستمر قبل از وضع کسور و پس از کسر معافیت‌های مقرر در این قانون»

عبارات این ماده به روشنی تقسیم‌بندی مذکور را بیان می‌دارد. «درآمد حقوق» ایام مرخصی استفاده نشده به شرحی که ذکر کردیم، می‌تواند مصداق یکی از دو حالت زیر باشد:

حالت اول آن است که مجموع مبلغ دریافتی کارکنان در اثناء ادامه کار طی دوران مرخصی را نوعی مزایا تلقی کنیم. چنین برخوردی با قضیه مورد بحث منطقی به نظر نمی‌رسد. برای اثبات این مطلب باید به واقعیت پرداخت مورد بحث توجه نمود. با اندکی دقت می‌توان پی برد که مبلغ پرداختی ماهیتی جز مابازاء کار انجام شده از سوی کارکنان طی ایام مرخصی ندارد. این مشابه آن است که شخص دیگری را برای انجام همان کار طی همان مدت به‌طور جداگانه استخدام کنند. چنین خدمتی پیش از آن که صحبت مزایا به میان آید، مستلزم دریافت دستمزد یا حقوق اصلی است، هر چند که طبعاً منعی ندارد علاوه بر دستمزد اصلی مبلغی هم تحت عنوان مزایای کارکنان مربوط، بابت همان

دوره از کار ایشان، تعلق گیرد.

آنچه مؤید این گفته است، لزوم کسب توافق کارمند یا کارگر برای انجام خدمت طی ایام مرخصی استحقاقی وی می‌باشد. به بیان دیگر یک قرارداد (هرچند شفاهی) جداگانه بین کارفرما و کارکنان برای این گونه خدمت خاص منعقد می‌شود که به یک دوره معین یعنی زمان مرخصی کارکنان مرتبط است و پرداخت مورد بحث نیز فی‌الواقع بر اساس همین قرار و مدار میان کارمند و کارفرما تادیه می‌گردد.

با این بیان تکلیف مالیاتی قضیه نیز روشن می‌شود. رفتار مالیاتی در این مورد خاص نیز باید همانند دوران معمولی و غیر مرخصی کارمند یا کارگر ذی‌ربط صورت پذیرد، یعنی آن قسمت از دریافتی کارکنان بابت کار ایام مرخصی که حسب‌المعمول جنبه حقوق اصلی را داشته کماکان به همین عنوان تلقی شود و نسبت به بخش دیگر یعنی قسمت مزایا نیز همانند ماه‌های قبل احکام مربوط به نوع مزایای مربوط جاری گردد. این گونه رفتار طبعاً موارد معافیت مربوط به انواع معین مزایا را نیز شامل خواهد گردید که از آن جمله می‌توان به انواع مزایای معاف از مالیات مذکور در بند ۶ ماده ۹۱ قانون مالیات‌های مستقیم اشاره کرد (هزینه سفر، فوق‌العاده مسافرت مربوط به شغل، ... و سایر مزایای ذکر شده در همان بند)



معرفی کتاب

برنامه‌ریزی ریاضی

تألیف: دکتر علی اکبر عرب مازار

از انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶، هیجده + ۵۸۰ صفحه

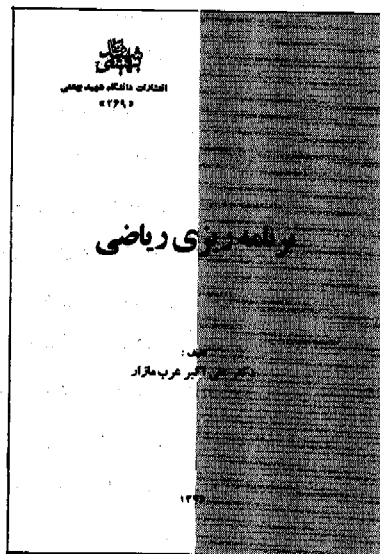
بها: ۱۳۰۰۰ ریال

مسائل را باید با روشهای بسیار کارآتری حل کرد که برای همین منظور طراحی شده‌اند. در طول تاریخ ریاضیات، مجموعه‌ای از این روشهای ویژه ارائه شده است که بعضاً به فراموشی سپرده شده و برخی نیز با اختراع و کاربرد وسیع کامپیوترها از لحاظ محاسباتی امکانپذیر گشته‌اند و اکنون مورد استفاده قرار می‌گیرند. هدف این کتاب ارائه مجموعه‌ای از این روشهای ویژه است که تحت عنوان «برنامه‌ریزی ریاضی» مشهور هستند و بعضاً آنان را فنون پژوهش عملیاتی یا روشهای کمی در مدیریت

برنامه‌ریزی ریاضی زیرمجموعه‌ای از فنون بهینه‌سازی است. بهینه‌سازی فرآیندی است که با آن می‌توان

پاسخ بهینه مسائل گوناگونی را تعیین کرد. نظریه بهینه‌سازی ماهیتاً یک زمینه علمی ریاضی بوده و معمولاً شامل بیشینه یا کمینه کردن یک تابع است که مبین عملکرد یک سیستم است.

بعضی از مسائل بهینه‌سازی را می‌توان از طریق فنون کلاسیک حساب پیشرفته، از قبیل روشهای ژاکوبی و



ضرایب لاگرانژ حل کرد. اما این روشها برای حجم وسیعی از مسائل بهینه‌سازی مناسب نیستند. این‌گونه

نیز می‌نامند.

مطالب این کتاب به صورت جزوات درسی طی

دهسال گذشته در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه‌های مختلف کشور به ویژه دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده امور اقتصادی تدریس شده است. لذا با توجه به تجربیات حاصله، موضوعات مطروحه اصلاح و تعدیل شده و اشکالات آن تا حد ممکن برطرف گردیده است. اگرچه عنوان کتاب و محتوای آن به بررسی موضوعی گروهي از روشهای بهینه‌سازی ریاضی اختصاص دارد ولی مطالب ارائه شده عناوین برنامه‌های مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی برای درسهایی از قبیل پژوهش عملیاتی، روشهای مقداری در بازرگانی، و برنامه‌ریزی ریاضی، در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های مختلف علوم انسانی، مهندسی، و علوم را در بر می‌گیرد. در نتیجه این کتاب می‌تواند مورد استفاده طیف گسترده‌ای از دانشجویان و دانش‌پژوهان قرار گیرد.

مجموعه کاملی از مثالهای حل شده و تمرینها در این کتاب آورده شده است. به علاوه از آنجا که مطالب پنج فصل اول کتاب اصولاً برای دوره‌های کارشناسی کاربرد دارد، نمونه سئوالات آزمونهای ورودی دوره‌های کارشناسی ارشد دانشگاههای کشور نیز به مقتضای هر فصل در انتهای تمرینها ارائه گردیده است تا بتواند مورد استفاده داوطلبان شرکت در این آزمونها قرار گیرد. از سوی دیگر کلیه مطالب بنحوی نگارش یافته‌اند که خودآموز باشند.

عناوین فصول اصلی کتاب (از فصل اول تا دهم) به‌قرار زیراند: تعریف و تدوین مسائل بهینه‌سازی، برنامه‌ریزی خطی، روش سیمپلکس، مباحثی دیگر در برنامه‌ریزی خطی، مسأله ترابری، برنامه‌ریزی با اعداد صحیح، تحلیل شبکه‌ای، زمانبندی و کنترل برنامه، برنامه‌ریزی غیرخطی، برنامه‌ریزی پویا.



بد نیست بدانید که

در کشور هلند درآمد مالیاتی حدود یکصد و شصت میلیارد گیلدر است که ارزش هر گیلدر قریب به یک مارک آلمان است. علاوه بر این حدود شصت میلیارد گیلدر به عنوان بیمه‌های اجتماعی وصول می‌شود که در جهان غرب غالباً همدریف مالیات تلقی می‌گردد. تعداد کل کارکنانی که وظیفه شناسائی، تشخیص و وصول مجموع این ارقام (۲۲۰ میلیارد گیلدر) را برعهده دارند، حدود ۲۹۰۰۰ نفر است. سازمان مالیاتی هلند یک بانک اطلاعاتی کامپیوتری در اختیار دارد که اطلاعات مالیاتی ۵ میلیون شخص حقیقی و ششصد هزار (۶۰۰/۰۰۰) شرکت را شامل می‌باشد. این در حالی است که کل جمعیت هلند به ۱۶ میلیون نفر نمی‌رسد. مرکز کامپیوتری سازمان مالیاتی به طور متوسط هر ساعت ۶۰۰۰ برگ مالیاتی صادر می‌کند که طول کاغذهای خارج شده در سال به ۳۶۰۰۰ کیلومتر بالغ می‌گردد.

مالیات اجاره بهای املاک کوچک

واتلاف نامتناسب امکانات

فاطمه عبداللهی

از این وضع به شرح زیراند:

- مالکان یادشده به سبب ناداری و کم‌بضاعتی از پرداخت مالیات امتناع می‌ورزند و همه کوشش خود را برای گریز از مالیات به کار می‌برند که ناگفته پیداست منشاء چه دشواریهایی برای خود ایشان و حوزه‌های مالیاتی خواهد بود؛

- به فرض آنکه تشبث و تقلای موجر چندان نتیجه‌ای به بار نیاورد و ناگزیر از پرداخت تمام یا بخشی از مالیات متعلق گردد، تردیدی نخواهد بود که تمام سعی خود را به کار خواهد برد تا بار مالیاتی را از دوش ناتوان خود برداشته و برگرده ناتوان‌تر مستأجر بیاندازد، و حتی در اکثر موارد پرداخت مالیات را به عنوان سرمایه‌گذاری از سوی خود تلقی کرده و سود مضاعفی بابت آن از اجاره‌نشین خویش مطالبه نماید؛

- برخی از مالکان این گونه منازل به ارفاق مندرج در ماده ۵۶ قانون مالیاتهای مستقیم توسل می‌جویند که طبیعی است سبب معافیت بخش قابل توجهی از مالیاتهای مربوط می‌گردد. به موجب این ماده «در

پیرامون بازدهی مالیاتی از دوران آدم اسمیت تاکنون سخن بسیار گفته شده و کمتر کسی است که لزوم متناسب بودن هزینه و نیروی صرف شده برای اخذ مالیات با درآمد حاصل از این بابت را انکار کند، به ویژه که پیرایه دیگری در زمینه ملاحظات اجتماعی و انسانی بر آن بار باشد و مزید بر علت گردد. مسئله اخذ مالیات از املاک کوچک مناطق کم درآمد شهرها از این مقوله است. خانه‌های محقری از این قبیل غالباً شامل دو طبقه بسیار کوچک با متراژ ۳۰ الی ۴۰ متر و با عرصه‌ای بین ۶۰ تا ۷۰ متر می‌باشند و مالکان آنها به علت فقر مالی یک طبقه از چنین خانه‌هایی را به افراد فقیرتر از خود واگذار نموده و مبلغی به عنوان اجاره‌بها دریافت می‌دارند.

طبیعی است که درگیری مراجع مالیاتی با انبوه موجرانی که وضعشان از این قرار است مشکل‌آفرین و زحمت‌افزا است و امکانات صرف شده نمی‌تواند با آنچه از این بابت به طور خالص عاید خزانه دولت می‌شود تناسب داشته باشد. پاره‌ای از معضلات ناشی

تهیه گزارش، تهیه و صدور برگ تشخیص، هزینه و زحمت ابلاغ و آمدوشد مأموران و رانندگان، توأم با بوروکراسی گسترده می‌باشد، رقمی در خور توجه برای دولت حاصل نمی‌گردد. حال آنکه اگر ثلث این همه وقت و نیرو و هزینه در جهت شناسائی درآمد املاک بزرگ صرف شود، چندین و چند برابر این مبالغ وصول خواهد شد. بحث راجع به درآمد دلاری موجران بزرگ از مدتها پیش در مجله مالیات (شماره هفتم) مطرح شده بود. توجه هر چه بیشتر به مواردی از این گونه و یافتن مؤدیان بزرگی که درآمدهای قابل توجه آنان به نحوی کلاً یا جزءاً از نظر پنهان می‌ماند، می‌تواند نه تنها درآمد مالیاتی ناچیز افراد یاد شده را به نحو مضاعفی جبران کند، بلکه فشار بر درآمد افراد بی‌بضاعت از آن گونه که ذکر کردیم کاسته شده و خود قدم مهمی محسوب خواهد شد که تا حدی مشکل مسکن را نیز تخفیف خواهد داد.

صورتی که مالک قسمتی از محلی را که در آن سکونت دارد جهت سکونت به اجاره واگذار نماید، تا سی هزارریال مال الاجاره ماهانه دریافتی» وی از این بابت از تعلق مالیات معاف خواهد بود؛ و

– اکثر این افراد با همسران خود شریک هستند و در نتیجه همسران آنها به سبب نداشتن درآمد دیگری از بخشودگی مالیاتی مزبور استفاده می‌نمایند.

به رغم این اوضاع و احوال که پر از عوامل منفی و بازدارنده و از نظر اجتماعی ناخوش آیند است، مأموران مالیاتی باید انرژی و وقت خود را به نحو فرساینده و متزایدی مصروف دارند و منابع مالی و امکانات سازمان مالیاتی را نیز همراه آن به شکل متراکمی صرف نمایند. به آسانی پیداست که واگرد این دادوستد نامتناسب تا چه حد می‌تواند ضعیف و ناچیز باشد.

در نتیجه عملاً می‌بینیم با وجود اتلاف وقت و نیروی ممیز مالیاتی که شامل مراجعه به محل و انجام بازدید،



یک خبر شنیدنی برای کسانی که با قانون سر و کله می‌زنند

آن‌هایی که کارشان اجرای قانون است و به این اعتبار باید آن را تفسیر و جلاچی کنند، قطعاً برایشان جالب خواهد بود که از نظر اخیر شورای نگهبان با خبر شوند. دولت از شورای نگهبان استفسار می‌کند که اگر این شورای قانونی را تفسیر کند، آثار اجرائی چنین نظری از چه زمانی خواهد بود؟ آیا باید آن را از زمان تصویب و اجرای قانون مورد تفسیر قابل اجرا دانست، و یا این که بایر از تاریخ اظهار نظر خود شورای به آن عمل نمود؟ شورای نگهبان با وجود تاکید بر این مطلب که «منظور از تفسیر بیان مراد مقنن است»، اظهار نظر نموده است که «تفسیر از زمان بیان مراد مقنن در کلیه موارد لازم‌الاجراست بنا براین در مواردی که مربوط به گذشته است و مجریان برداشت دیگری از قانون داشته اند و آن را به مرحله اجرا گذاشته‌اند تفسیر قانون به موارد مختومه مذکور تسری نمی‌یابد».

شکوائیه‌های از دوران قاجار

پیرامون یک حواله مالیاتی

در شماره هشتم مجله مالیات (صفحات ۲۸ و ۲۹) گفتیم که صدور حواله‌های مالیاتی از گذشته‌های دور مرسوم بوده و تا دوره‌های اخیر و حتی پس از استقرار مشروطیت ادامه داشته است. حواله مالیاتی نوعی دستور پرداخت یا براتی بوده که عهده مستوفیان و کارگزاران مالیه ایالات و ولایات صادر می‌شده است. صدور حواله یا برای یک بار و به مبلغ معینی صورت می‌پذیرفته و یا بر اساس آن نوعی مستمری در وجه ذینفع برقرار می‌شده که در مواردی حتی پس از فوت او حق استفاده به وراثت انتقال می‌یافته است.

نمونه دیگری از این گونه حواله‌ها سندی است که تصویر آن را در این شماره از مجله مالیات ملاحظه می‌نمائید. این سند شکایتی است از طرف ورثه محمدحسن میرزا شاهزاده قاجار که تقدیم وزیر داخله (وزیر کشور) وقت شده است. سبب تسلیم عریضه به وزارت داخله (و نه وزارت مالیه یا دارائی) آن بوده است که شکایت از حاکم (فرماندار) گلپایگان و کمره به عمل آمده و این مقام مانند زمان حاضر تابع وزارت کشور بوده است. حاکم گلپایگان و کمره ظاهراً دارائی محلی را تحت فشار قرار داده بوده که مستمری پرداختی به ورثه شاهزاده قاجار را بازپس گرفته و در اختیار او قرار دهند. متن سند که مربوط به سال ۱۳۲۷ هجری قمری است به شرح زیر می‌باشد:

وزارت داخله

سواد ورثه مرحوم محمدحسن میرزا

مورخه ۲۳ قوس ۱۳۲۷

نمره ۱۵۶۸۳

«سالهای سال است که برحسب فرمان سالی دویست و چهل تومان موجب در محل کمره در کتابچه دستورالعمل ولایتی در حق این یک مشت خانه‌زادگان منظور شده و تمام معیشت و زندگانی ما بهمین جزئی می‌گذرد. چهار ماه قبل که حکومت بنا نواب والا شاهزاده معتضدالسلطنه بود به توسط کارگزاری بندگان حاجی عباسقلیخان نایب‌الحکومه تومانی دو ریال کسر گذاشته، مابقی را عاید داشته در صورتی که به همین میزانها مقروض و این سر زمستان پیریشان هستیم. دو روز قبل بندگان

حاجی عباسقلیخان مرقوم فرمودند بر حسب امر و حکم آقای ناصر لشکر حاکم گلپایگان و کمره باید این پول را پس بدهید از آنجائی که مالک الرقاب هستید ناچاراً ملحقی به آستان مبارک می شویم. چنانچه این حکم که ناصر لشکر فرمودند که مواجب خانه زادان مقطوع است انالله و انا الیه راجعون امر ... مءاک است. (مهر وزارت داخله) سواد مطابق اصل است.



وزارت داخله

داد در روز جمعه کلاس لارا
 در خرداد ماه ۱۳۲۷
 ۱۵ م ۱۴

بسم الله الرحمن الرحیم
 در روز دوشنبه در وقت پنج شب فائده را که در نظرش در تمام بیست و نه روز که به این فرزند کشید و جزای
 قبر حضرت بزرگوارش برده شد و این بجز آنکه در روزی که در آن روزی در آن روزی در آن روزی در آن روزی در آن روزی
 زدن در آن روزی که در آن روزی در آن روزی در آن روزی در آن روزی در آن روزی در آن روزی در آن روزی در آن روزی
 بسم الله الرحمن الرحیم در آن روزی که در آن روزی در آن روزی در آن روزی در آن روزی در آن روزی در آن روزی در آن روزی
 بدو پنج پیرایس به برادران بیکه ملک الرقاب بسته و در آن روزی که در آن روزی در آن روزی در آن روزی در آن روزی
 در آن روزی که در آن روزی در آن روزی در آن روزی در آن روزی در آن روزی در آن روزی در آن روزی در آن روزی

دفتر وزارت
 مهر و امضاء

قوانین مالیاتی و خریداران املاک با اسناد عادی

حسین ورزکاری مقدم

حال سؤال این است که آیا در چنین مواقعی مالیات باید مطالبه شود؟ و اگر مورد مشمول مالیات است، آیا اطلاق عنوان مالیات اجاری به آن صحیح است؟ و اگر صحیح است چه کسی باید آن را پرداخت کند؟ قبل از این که به سؤالات فوق جواب داده شود بهتر است معایب و محاسن تنظیم وکالتنامه راه هم برای خریدار و هم برای فروشنده، بررسی نماییم.

محاسن

- بعضی از زمین‌هایی که از طریق تعاونی‌های مسکن به اشخاص واگذار می‌گردند فاقد سند رسمی بوده و یا صدور سند رسمی مدتی به طول می‌انجامد.
- برخی از زمین‌ها فاقد سند بوده و یا سند آنها تفکیک نشده است.
- برخی از املاک وام بانکی دارند و خریدار ترجیح می‌دهد که چنین ملکی را بخرد و یا به دلیل کسری پول این کار را می‌کند.
- برخی از فروشندگان قصد تعویض محل اقامت خود را دارند که به دلیل ضیق وقت و یا نیاز به پول ترجیح می‌دهند که ملک خود را با تخفیف بفروشند.
- برخی از فروشندگان بدهی مالیاتی دارند و از عدم آگاهی خریدار سوء استفاده نموده و برای جلب او ملک را با تخفیف بیشتری می‌فروشند.

یکی از مشکلاتی که در امر وصول مالیات وجود دارد و بین مؤدیان مالیاتی و مأموران تشخیص و وصول مالیات اختلاف ایجاد کرده، موضوع خریداران املاک غیر ثبتی است. روال کار به این شکل است که برخی از مؤدیان مالیاتی بنا به دلایلی که خواهد آمد هنگام خرید زمین یا ساختمان بعد از تنظیم مبیاعه نامه در بنگاه‌های معاملات ملکی به جای سند رسمی متداول که از طریق سازمان ثبت اسناد صادر می‌گردد به تنظیم وکالتنامه بلاعزل اکتفا نموده و موقع انتقال سند به نام خریدار دچار مشکل می‌شوند.

اختلاف بین مؤدیان و مأموران مالیاتی زمانی بروز می‌کند که مؤدیان مالیاتی جهت انتقال سند به نام خود به دفاتر اسناد رسمی مراجعه نموده و با ارائه وکالتنامه رسمی ادعا می‌کنند که از طرف مالک وکالت بلاعزل دارند و می‌خواهند ملک را به نام خود منتقل نمایند. اینجاست که اداره دارایی در جواب استعلام دفترخانه جهت صدور مفصاحساب مالیاتی، مؤدی را به دلیل نداشتن سند مالکیت رسمی، مستأجر تلقی نموده و صدور مفصاحساب را منوط به پرداخت مالیات بر درآمد اجاری عنوان می‌کند. فیش پرداخت مالیات به نام مالک اصلی سند صادر می‌شود که در نهایت خریدار وکالتی باید آن را پرداخت نماید.

عوامل فوق پاره‌ای از موجباتی هستند که ممکن است توسل به شیوه تنظیم وکالتنامه را از نظر طرف‌های معامله توجیه کند.

معایب

- وکالتنامه فقط در زمان حیات طرفین دارای اعتبار می‌باشد.

- تغییرات هزینه‌ها مثل هزینه‌های دفترخانه و تغییرات نرخ‌های مالیاتی مشکلاتی را برای خریداران ایجاد می‌کند.

- خریداران مشمول مالیات اجاری، بساز و بفروشی و احياناً پرداخت بدهی‌های قبلی فروشنده می‌شوند.

پس از این مقدمه یادآور می‌شویم که خریداران وکالتی به هر حال مشمول مالیات می‌باشند و مالیات متعلقه باید پرداخت گردد. در باب این که چنین افرادی چرا مشمول مالیات هستند، می‌گوئیم که در این جا دو حالت قابل تصور است:

حالت اول این که قبلاً انتقالی صورت نگرفته و انتقال فعلی واقعی می‌باشد. در این صورت خریدار وکالتی در مدت اقامت در ملک، مستأجر بوده و ضمن پرداخت مالیات اجاری، مالیات نقل و انتقال را نیز پرداخت می‌کند.

حالت دوم: این است که انتقال قبلاً صورت گرفته و انتقال فعلی فقط نوعی شکل قانونی بخشیدن به آن است. در این صورت می‌توان گفت که معامله ثانی جنبه صوری داشته و واقعیت امر و رابطه حقوقی نقل و انتقال همان است که قبلاً واقع شده است. امکان نادیده گرفتن ظواهر امر در مسائل مالیاتی و توجه به واقعیت روابط، بنا به اصل یا قاعده «ماهیت فوق شکل» در بسیاری از کشورها مجاز شناخته شده است. به موجب این قاعده اگر معامله یا ترتیبات معینی حادث شود که از حیث صورت و شکل قانونی، مصداق

عنوان حقوقی معینی باشد ولی در ماهیت و بطن امر از حقیقت دیگری حکایت کند، باید آن ظاهر حقوقی را کنار گذاشت و ماهیت مسأله را ملاک داوری دانست.

حالت دوم بیشتر با واقعیات قضیه تطابق دارد، لذا در چهارچوب قواعد حاکم بر تفسیر مقررات مالیاتی، مطالبه دیر کرد مالیات انتقال یا انتقالات متعدد بهتر از مطالبه مالیات بر درآمد اجاری است زیرا حقیقت این است که روابط موجر و مستأجر در اصل وجود نداشته است. ضمناً به استناد ماده ۶۱ قانون مالیات‌های مستقیم، در زمان انتقال غیر رسمی نیز مالیات نقل و انتقال باید پرداخت شود که نشده است و همچنین در صورت حذف مالیات بر اجاره، احتمال می‌رود که از مسائل و مشکلات مراجعه به هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی نیز کاسته شود.

در این راستا لازم به ذکر است که در فاصله انتقال وکالتی با انتقال قانونی ممکن است انتقالات متعددی صورت گیرد که در صورت وقوع چنین امری با استناد تبصره ۳ ماده ۵۹ مالیات نقل و انتقال جداگانه قابل مطالبه است.

در اینجا پیشنهاد می‌شود در صورت اثبات این مطلب که انتقال سند خارج از اختیار مؤدی بوده است می‌توان از جرائم مورد نظر چشم پوشی نمود. و همچنین اگر تنظیم میبایع نامه نیاز به مفاصاحساب دارایی داشته باشد با استناد ماده ۶۱ قانون مالیات‌های مستقیم می‌توان مالیات نقل و انتقال را به موقع دریافت نمود.

نکته مهم دیگر این که سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به استناد مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون مربوط به خود، بدون مطالبه مفاصاحساب مالیاتی برخی املاک را انتقال داده و سند صادر می‌نماید که در این صورت وصول بدهی‌های مالیاتی ملک از مالک جدید دچار مشکل شده یا احياناً سوخت می‌شود.

مالیات نقل و انتقال را غلط ننویسیم

مهندس مهرا ن سمسار

روزی نه چندان دور ممیز خیالی ما مشغول محاسبه گزارش نقل و انتقال جهت انتقال یک دستگاه آپارتمان بود. از قضا یا بخت بد متوجه شد که صورتمجلس تفکیکی که اساس نقل و انتقال را تأمین می‌کند و تمام نسبت‌های مختلف مانند قدرالسهم عرصه و قدرالسهم اعیان و قدرالسهم مشاعات اعم از مفید و غیرمفید همگی بستگی به آن دارد، خوانا نیست و بد زیرا کس شده است. طبق روش معمول به گزارش نقل و انتقال قبلی این آپارتمان که حدود ۲۰ سال پیش صورت‌گرفته بود مراجعه نمود. و مترآژ و نسبت‌های صدرالاشاره را از آن اخذ نمود و مترآژ عرصه و اعیان و قدرالسهم‌های مربوطه را از آن گزارش اخذ کرد و مسرور گردید که این مهم را بالاخره بدون زحمت دادن به مؤدی که می‌بایستی به همسایگان و دفاتر اسناد رسمی که معامله قبلی در آن انجام شده است مراجعه نماید، توانسته است کار را راه بیندازد، از طرف دیگر، مشاهده شد که گزارش نقل و انتقال ۲۰ سال پیش نه شماره ثبت دفتر اندیکاتور دارد و نه مهر ممیز مربوطه که باعث سندیت آن گزارش می‌شود و تنها خطی تحت عنوان امضاء زیر آن مشاهده می‌شود. ولیکن ممیز خیالی ما به این اکتفا ننمود و در میان کار و پس از انجام گزارش نقل و انتقال اندکی تأمل نمود و با فهم و درایت خود به شک افتاد که نکند این گزارش و تمامی

نسبت‌های مالیاتی آن، مترآژهای عرصه و اعیان و مشاعات غلط باشد. علی‌الخصوص که گزارش قابل استفاده قانونی نیست، چون نه شماره دفتر اندیکاتور دارد و نه مهر ممیز مربوطه و نه تأیید سرممیز وقت. لهذا با اندکی تأمل و وقوف بر این گزارش به حقیقت و صحت آن شک برد. معهداً طبق تجربیاتی که آموخته بود در طی سال‌های متمادی، به اصطلاح زیر پرونده را بالا زد و برگ‌های گزارش نقل و انتقال و سایر گزارش‌ها و پلاک ثبتی مندرج در فتوکی سند‌های قبلی و نام بنجاق‌ها و همه چند و چون پرونده را زیرورو کرد تا اینکه تقریباً در انتهای پرونده و پس از برگ‌های واحدیابی چشمش به جمال صورتمجلس تفکیکی اولیه که بسیار پررنگ و خوب گرفته شده بود افتاد. بلافاصله نسبت‌های عرصه و اعیان و مشاعات گزارش (۲۰) بیست سال پیش را با آن چک نمود و از قضا پی برد که تمام نسبت‌ها غلط و غیرواقعی است و سپس نسبتها را به روش معمول قدرالسهم‌گیری انجام داد و مشاهده گردید که این گزارش نه تنها از حیث مترآژهای عرصه و اعیان اشتباه دارد بلکه نسبت و تناسب آن نیز غلط است.

بالاخره ممیز خیالی ما با استفاده از صورتمجلس قدیمی و تطبیق آن با صورتمجلس ناخوانای جدید و تطبیق پلاک ثبتی سند مادر و مقاصی آن و سند فعلی و

فتوکی‌های قبلی و انجام تمام چندوچون پرونده که موردنیاز بود، گزارش صحیح با دو یا سه بار محاسبه دقیق نگاشت و بخدمت سرممیز مربوطه برد. سرممیز مربوطه که آدم جهان‌دیده و باتجربه و رضایت خاطر ماست...

از: طنّاز

شرکت‌های کم‌سرمایه

بعد از این تاجر ارزان ارزان

شما یادتان نمی‌آید، اما آن‌هائی که مثل من عمر نوح کرده‌اند حتماً به‌خاطر دارند که حدود چهل سال پیش در و دیوار دارالخلافه، نه مثل امروز گل و گشاد، آن روزها پر بود از آگهی‌هائی که یک جادو و جنبل‌چی معروف هزینه نوشتن آن‌ها را پرداخت کرده بود: «بعد از این تاجر ارزان ارزان». استاد همه کاره نشانی منزل خود را هم زیر آگهی جاداده بود تا هرکس بخواهد مفت و مسلم و با دادن نیاز مختصری به ایشان تاجر باشی شود و ارج و قربی پیدا کند، سراغ حضرت آقا برود.

امروز بعد از این همه سال‌ها می‌بینیم که تاجر باشی شدن از این هم ساده‌تر است. مثلاً شما اگر یک دست‌کت و شلوار یا قدری خرت و پرت منزل خود را بفروشید، و یا مثلاً فقط ۱۰، ۱۲ کیلو موز داشته باشید، می‌توانید شرکت تاسیس کنید و یک اسم قلمبه سلمبه روی آن بگذارید و به عنوان «مدیر عامل» به همه فیس و افاده بفروشید. اما می‌گوئید از کجا این حرف را می‌زنم؟ علت آن این است که عادت جدول حل کردن را تازگی‌ها ترک کرده‌ام و به‌جای آن به چیزهای پیش پا افتاده، مثل آگهی‌های روزنامه‌ها خیره می‌شوم. شما هم اگر همین کار را بکنید، و مثلاً آگهی‌های روزنامه رسمی را یکی یکی مرور کنید خیلی راحت به همان نتیجه‌ای می‌رسید که عرض کردم. من که از این «روش تحقیق» استفاده کردم، در هر شماره روزنامه به آگهی تاسیس تعداد زیادی شرکت برخوردم که سرمایه آن‌ها فقط صد هزار تومان بود. تازه تصور نکنید که همین پول ناقابل هم به صندوق شرکت مرحمت شده است. بسیاری از آن‌ها تنها ۳۵ درصد سرمایه را پرداخته و بقیه را به این عنوان که «در تعهد صاحبان سهام می‌باشد» به سر خرمن حواله کرده‌اند. برای نمونه در شماره ۷۶/۴/۸ آگهی تاسیس ۱۹ شرکت به چشم مبارکتان می‌خورد که سرمایه همه آن‌ها فقط صد هزار تومان است. از این تعداد ۱۰ تا آن‌ها همان‌هائی هستند که سی و پنج هزار تومان نقد پرداخته و باقی را به آینده موکول کرده‌اند. این فقط محصول یک شماره روزنامه بود و تازه در همین شماره تعداد دیگری از شرکت‌ها هستند که همین ماجری را با سرمایه‌های کمی بیشتر دنبال کرده‌اند.

البته خدای نکرده منظور ما این نیست که تشکیل شرکت با سرمایه ناچیز خلاف قانون است و یا این که بخواهیم بگوئیم به اصطلاح «تخلفی واقع شده»، بلکه قصدمان گفتن چند چیز است: اول این که آیا وقت آن نرسیده که به فکر درست کردن قانون بیافئیم؟ به نظر شما، تشکیل شرکت با سرمایه صد هزار تومان - که شصت و پنج هزار

تومان آن هم به وعده و وعید برگزار شده - با زندگی امروز مملکت می خوانند؟ یکی دیگر داستان مسئولیت شرکاء در برابر مردم است. این شرکتها تقریباً بدون استثناء از قماش «با مسئولیت محدود» یا حد اکثر «سهامی» هستند. شما که بهتر از من معنی این حرفها را می فهمید. چند درصد مردم به صرافت می افتند - یا رویشان می شود - از مدیر شرکت بپرسند آقا بی زحمت بفرمائید سرمایه شما چقدر است؟ و مگر نه این است که مسئولیت شرکا به اصطلاح محدود به همان سرمایه ناچیز آنها است و بابت بقیه مطالبات

The collage contains several handwritten notes and diagrams. At the top, there are titles like 'شماره ۱۳۷۶/۱۳۸' and 'شماره ۱۳۷۶/۱۳۸'. The notes discuss various aspects of company law, including the responsibilities of shareholders and directors, the formation of companies, and the legal consequences of their actions. Some notes mention specific articles of the Commercial Code, such as Article 100 and Article 101. There are also diagrams showing the relationship between different entities, such as the company and its shareholders, and the company and its directors. The notes are written in a cursive style and are somewhat difficult to read due to the handwriting and the overlapping nature of the text.

اگر نشود ثابت کرد که تخلفی صورت گرفته) حرجی بر کسی نیست؟ با این اوصاف آیا لازم نیست که مصلحت طرفهای معامله با شرکت هم از همان اول کار تا حدی در نظر گرفته شود و خلاصه این که حد اقل سرمایه بالا برود؟

نکته بعدی راجع به جنبه مالیاتی قضیه است. به نظر شما، آیا در این ماجری مساله یا مشکل مالیاتی نمی تواند بروز کند؟ آیا نکته مالیاتی محرک اصلی حضرات در تاسیس چنین شرکت هائی نیست؟ و اگر نکته و مساله ای هست، آیا پیش بینی های مناسبی برای مقابله با این وضعیت به عمل آمده است؟ این جنبه ها را به بحث می گذاریم تا خوانندگان با ذوق و اهل خبره مجله مالیات ما را به قول امروزی ها با نظرات خود ارشاد کنند.

جایگاه اجتماعی مالیات

عبدالرضا شفیعی

انسان‌ها هستند که جوامع بشری را به حرکت درمی‌آورند و اگر در جامعه‌ای انسان‌هایی لایق و شایسته و فهیم وجود داشته باشند که انگیزه‌های واحدی را رشد و نمود دهند پیشرفت فکری و صنعتی آن جامعه بسیار سریع و در جهت انگیزه‌های مشترک آنان خواهد بود. تشتت آراء و عدم هماهنگی فکری در یک مقوله هرگز نمی‌تواند پیشرفت سریعی را برای اجتماع مورد نظر به همراه داشته باشد، بطور مثال طرز فکر مشترک مردم در مقابله با دشمن خارجی وحدت و یکپارچگی آنان است، گاه این‌گونه وحدت فکری تابع شرایط خاص اجتماعی و یا سیاسی است و گاه نیازمند تبلیغات و القاء یک

تنها وجود یک دستگاه کارآمد و سالم مالیات‌گیری که مبتنی بر اصول و موازین حقوقی باشد کفایت اخذ مالیات را به کمال نمی‌رساند، امروزه که قدرت دولت‌ها در پناه ابزارهای گوناگونی نهفته است دیگر جایی برای اعمال سلطه مستقیم دولت در برخورد با مردم جهت اخذ مالیات وجود ندارد. (۱) قرن حاضر و آینده آگاهی افراد در برابر حقوق قانونی خود و شرایط حصول به آن را به منصفه ظهور می‌گذارد و این وضعیت مستلزم وجود دستگاه‌های حکومتی مطمئنی است که تسکین دهنده دردهای عقب ماندگی فرهنگی باشد. جایگاه اجتماعی مالیات این مقوله را به عنوان فرهنگ مالیاتی تبیین نموده و این به مفهوم فرهنگی از مجموع ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها، و رفتارهای اجتماعی است که بیان‌گر نقش مالیات در جامعه می‌باشد. هر چند روح حاکم بر قوانین نمی‌تواند جدای از تفکر مردم دربارہ قانون باشد و معمولاً در ایجاد قوانین از عرف و عادات و رسوم نیز بهره گرفته می‌شود ولی در برخورد با پدیده‌های مهم و هماهنگ ساختن طرز تلقی مردم از یک واژه مشخص نیاز به برنامه‌ریزی و آینده‌نگری وجود دارد. این

۱- این تفکر و احترام مربوط به کسانی نمی‌شود که از مالیات گریزان هستند زیرا هر قانونی اگر چه احترام به حقوق افراد را باید محترم شمرده ولی در برخورد با خاطی بایستی دارای ابزار قدرت و ضمانت اجرایی نیز باشد.

فکر در میان مردم و بعضاً مستلزم آموزش از سطوح پائین و افراد در حال رشد خواهد بود. تعلیم برخی مقررات از جمله مقررات راهنمایی و رانندگی اگر از سنین کودکی و با کار آموزشی در مقاطع تحصیلی همراه باشد در یک زمانبندی بلندمدت و یا کمتر، نشان دهنده اثرات آموزش مربوطه در اجتماع خواهد بود.

در ایران سالها وجود مالیات و پرداخت آن نهی گردیده است، در زمان‌های قبل از حکومت‌های اسلامی پرداخت مالیات با اجبار و سلطه مستقیم در اخذ آن همراه بوده و هرگز جایگاه رغبت را در مردم و نسل‌های بعدی رشد نداده است.

حکومت‌های

اسلامی و اساساً

دین اسلام زکات و

خمس را عوامل

مهمی در پیشبرد

اهداف حکومت

اسلامی دانسته و

اغلب غنمای اسلام

مالیات را جدای از

آن و پرداخت

داوطلبانه مالیات به دستگاه ظالم را مخالف موازین اسلامی دانسته‌اند. این موضوع بسیار پیچیده‌تر از آن است که بخواهیم بطوری ساده با آن برخورد نمائیم و بحث عمیق آن خارج از موضوع این پژوهش می‌باشد.

علاوه بر برنامه‌ریزی از طریق آموزش بلندمدت کودکان و تشکیل یک شاکله فکری مهم و منظم و ایده‌آل، می‌توان از ابزارهای دیگری نیز جهت بهبود وضعیت مالیات استفاده نمود.

امروزه تبلیغات عامل مهمی در تلقین و ایجاد انگیزه است. منظور از تبلیغات در راستای بهبود

فرهنگ مالیاتی نشان دادن اثرات مالیات به عموم مردم است. اگر دستگاه آموزش و پرورش کشور ساخت مدرسه از طریق مردم را دارای اجر معنوی می‌داند و انسان‌های خیر توان خود را در این راه بکار می‌بندند، پس می‌توان اذعان داشت چنانچه پروژه‌هایی که از محل وصول مالیات‌ها ساخته می‌شوند با ذکر این مطلب که این پروژه از محل اخذ مالیات و پرداخت بموقع آن توسط مردم کشور ساخته شده است، عامل مهمی در جلب رضایت خاطر مردم خواهد بود. (این کار می‌تواند به صور مختلف انجام گیرد از جمله این که بر سر در بناهای ساخته شده عنوان

گردد یا از طریق

رسانه‌ها ذکر شود).

اساساً زمانی که

شهرداری‌ها اقدام

به نماسازی و

پاکیزه نمودن شهر

و ایجاد امکانات

رفاهی برای مردم

می‌نمایند، خود

بخود انگیزه

عامل اقتصاد در جامعه نیز توان و بازوی مهم

فیزیکی است که پشتیبان استقلال سیاسی و

فکری ملل است. نقش اقتصاد همواره انگیزه‌ساز

بوده و برای رشد اقتصادی همراهی مردم در

تأمین مالی جای خود را به وضوح باز نموده است

پرداخت بموقع عوارض نیز در اذهان مردم جای می‌گیرد و از این نوع تبلیغ می‌توان در اخذ مالیات از طریق علاقه مردم اقدام نمود.

مورد دیگر وجود مأموران تشخیص و وصول مالیات در رشد و بهبود این فرهنگ می‌باشد.

مأموران آموزش دیده و ورزیده و آگاه به شرایط اقتصادی و اجتماعی قادرند با برخورد مناسب با مؤدیان مالیاتی (از لحاظ اجتماعی) و توضیح شرایط اقتصادی و نقش مالیات در بهبود اوضاع اقتصادی، چرخه اخذ مالیات را به شکل مطلوبی به حرکت در آورند. این موارد در

دو نکته مهم از شرایط فکری و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی مردم و ملت‌ها نهفته است. فرهنگ ملت‌ها و توجه به اصالت فرهنگی عامل انسجام آنان و ایجاد انگیزه در تقویت آن خواهد بود. از این رو بازگشت به فرهنگ غنی ایران و ایران اسلامی و تمدن‌های گذشته و بررسی آنها می‌تواند یک حس بالندگی ملی و مذهبی در مردم ایران اسلامی ایجاد نماید.

عامل اقتصاد در جامعه نیز توان و بازوی مهم فیزیکی است که پشتیبان استقلال سیاسی و فکری ملت است. نقش اقتصاد همواره انگیزه‌ساز بوده و برای رشد اقتصادی همراهی مردم در تأمین مالی جای خود را بسیار واضح باز نموده است. اخذ مالیات در تأمین هزینه‌های جاری کشور هرگز پایان یافتنی نیست، در حالی که درآمدهای دیگر که متکی بر منابع مردمی نیست روزی به پایان خواهد رسید و این نکته از اهمیت خاصی در میان کشورهای پیشرفته امروز برخوردار است.

اگر حکومتی از میان حکومت‌های اسلامی به عنوان مبنای مناسبی برای ترویج فرهنگ مالیاتی و اهمیت مالیات در تفکر مردم انتخاب گردد همان حکومت امیر حق علی (ع) است. در زمان پیشوایی اول شیعیان چهارچوبی از حکومت را طراحی نمود و گاه تفصیل آن در فرمان حضرت به مالک‌اشتر دیده می‌شود. اساس کار حضرت بیان این مطلب است که اگر برای داشتن حکومت اسلامی وسایلی باید فراهم آید دانستن آن وسایل (علم به این که چه چیز لازم است) باید همراه با عمل برای دستیابی به آن موردنظر باشد.

به عبارتی دیگر عمل کردن به فرامین الهی در پرتو حکومت اسلامی را با اطلاع از لزوم ایجاد

شرایط بهینه قرین و همراه دانسته است. در جایی به مالک می‌نویسد که در امور مالیه کشور نیک بیندیشد و متصدیان خراج را کنترل نماید، دارایی را روح مملکت دانسته و اساس کار حکومت اسلامی می‌پندارد و متأسفانه این فرمان حضرت هرگز وسیله‌ای نگردید تا مبنای آموزش و پرورش و بهبود فرهنگ مالیات دادن گردد. در این فرمان پرداختن به:

- امور مالی و تأمین مخارج دولت

- ایجاد دستگاه مالیاتی

- و نظارت بر صحت امور آنان و ترویج فرهنگ اهمیت داشتن دارایی حکومت اسلامی که مبنای حیات جامعه نیز هست سه مورد بسیار مهم و قابل بحث را مطرح می‌سازد.

خراج در زبان اسلام نوعی مالیات است که حاکم شرع با توجه به مصالح عمومی و نیازهای اجتماعی ملت و نیز عنایت به اوضاع و احوال و شرایط و میزان درآمد پرداخت کنندگان خراج بر اساس موازین اسلامی از آنها دریافت می‌نماید.

در کنار خراج مالیات دیگری داریم بنام جزیه که معمولاً بطور سالانه و سرانه و نسبت به اهل کتاب از آنها اخذ می‌شود. از این رو هنگامی که امام علی (ع) پرداختن به امور مالی و تأمین مخارج دولت اسلامی را گوشزد می‌نماید توجه حاکم را به اخذ صحیح و عادلانه خراج و جزیه جلب می‌نماید و لازمه صحت اخذ و شرایط مالیات مأخوذه را وجود دستگاه کارآمد مالیاتی دانسته و برای تکمیل آن نظارت و پیروی از مقررات خاص را ملزم می‌شمارد. به هر حال اگر از دیدگاه ملی یا مذهبی بر اذهان ملت ایران تلقین و تشویق به پرداخت مالیات صورت گیرد و علاقه مردم در این باره جلب گردد تأمین مخارج دولت آسانتر و سریعتر خواهد بود.

خبرهای مالیاتی

برزیل - اصلاحات مالیاتی در قانون اساسی

از واردات و عرضه کالاهای صنعتی از آغاز سال ۱۹۹۸ لغو خواهد شد و مالیات بر فروش از سوی دولت فدرال و هر یک از ایالات و نواحی فدرال بر اساس ضوابطی که ضمن قوانین عادی خواهد آمد قابل وصول خواهد بود. این نوع مالیات در سراسر کشور باید به نحو یکسان و مساوی نسبت به کالاها و خدمات مشابه برقرار شود.

۳. تسلیم اظهارنامه و پرداخت مالیات بر درآمد علی الحساب بر اشخاص حقوقی که در حال حاضر به طور ماهانه مرسوم است، ملغی شده و روش اظهار تشخیص و مطالبه سالانه این گونه مالیاتها جایگزین آن خواهد گشت.

۴. واردات خدمات نیز مشمول عوارض ورود قرار خواهد گرفت.

معمولاً قوانین اساسی کشورها مقررات بسیار کلی و معدودی در زمینه امور مالیاتی دارند که بیشتر جنبه بیان اصول اساسی در رابطه با وضع اخذ مالیات را دارد. دولت برزیل در مقام اصلاح قانون اساسی به منظور وارد کردن پاره‌ای قواعد جدید مالیاتی در این قانون برآمده که از این بابت نوعی نوآوری به حساب می‌آید. اهم این اصلاحات به شرح زیراند.

۱. اعطاء اختیار به مقامات مالیاتی جهت اخذ اطلاعات از مؤسسات مالی در مواردی که مسائل مالیاتی مطرح باشد. این اجازه در واقع به منزله محدودیتی بر اصل محرمانه بودن اطلاعات بانکی به شمار می‌رود.

۲. در زمینه مالیاتهای غیر مستقیم، اصلاحات مورد بحث حاکی از آن است که اخذ مالیات فدرال

فرانسه - مؤسسات کوچک و متوسط

برای این گونه مؤسسات تسهیل شود و دیگر این که برای انتقال آنها به قائم مقامان بعدی نیز سهولت‌هایی فراهم آید. با توجه به این اهداف: - آن بخش از سود مشمول مالیات مؤسسات

دولت فرانسه در نظر دارد به تقویت موقعیت مؤسسات کوچک و متوسط بپردازد. در زمینه مالیاتی اقدامات مورد نظر دو هدف را دنبال می‌کنند، نخست این که فراهم آوردن تأمین مالی

ورشکسته شوند، سهامداران آنها اگر اشخاصی حقیقی باشند می‌توانند زیان‌های متحمل‌ه را در حساب مالیات بر درآمد شخصی خود به هزینه منظور کنند. سقف این هزینه قابل کسر ۱۰۰۰۰۰ فرانک برای اشخاص مجرد و ۲۰۰۰۰۰ فرانک برای افراد متأهل می‌باشد.

- در زمینه انتقال این مؤسسات، بخشودگی مالیاتی معادل ۵۰ درصد منظور شده و آن در صورتی است که مؤسسه جنبه خانوادگی داشته و بین اعضاء خانواده مورد صلح یا هبه قرار گیرد. سقف این بخشودگی ۱۰۰ میلیون فرانک است.

مورد بحث که به منظور افزایش سرمایه سهامی آنها صرف می‌شود، طی شرایطی از نرخ نازل مالیات بر شرکت معادل ۱۹ درصد استفاده خواهد کرد.

- هرگاه اشخاص حقیقی در سرمایه این گونه مؤسسات کوچک و متوسط سهم شوند، تا میزان ۲۵ درصد وجوه پرداختی آنها از این بابت مشمول بخشودگی مالیاتی به سود چنان اشخاصی خواهد گردید. سقف این بخشودگی ۳۷۵۰۰ فرانک برای مودیان مجرد و ۷۵۰۰۰ فرانک برای مودیان متأهل منظور گردیده است. - در صورتی که مؤسسات مورد بحث

آلمان - تسهیلات برای غیر آلمانی‌ها

- اما هنرمندان، ورزشکاران، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و عکاسان جزایر نسبت به درآمدهای حرفه‌ای خود که از منابع آلمانی تحصیل شود مشمول مالیات در منبع (مالیات تکلیفی) به نرخ ۲۵ درصد خواهند بود.

- زن و شوهر مقیم آلمان می‌توانند در مورد مالیات بر درآمد سالانه خود اظهارنامه مشترک تسلیم نمایند و از نرخهای تفکیکی مناسب استفاده کنند. این مزیت به اتباع سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز که مقیم آلمان نیستند تسری داده شده، مشروط بر این که لااقل ۹۰ درصد مجموع درآمد ایشان در سطح جهان تابع مالیات آلمان باشد و یا این که مجموع درآمدهای ایشان از ۲۴۰۰۰ مارک تجاوز نکند.

به موجب اصلاحاتی که در مقررات مالیاتی این کشور صورت پذیرفته، پاره‌ای مزایا به سود اتباع سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا و دیگر مؤدیانی که از جهت وابستگی به درآمدهای حاصل از آلمان وضع خاصی را دارا می‌باشند، منظور گردیده است.

از جمله:

- هرگاه مؤدی غیر مقیم، اعم از اتباع اتحادیه اروپا و غیر ایشان، حداقل ۹۰ درصد از مجموع درآمدهای خود در سطح جهان را از منابع واقع در کشور آلمان تحصیل کند، در این صورت می‌تواند تقاضا نماید که از جهت مالیاتی مقیم آلمان شناخته شود و رفتاری شبیه اشخاص مقیم نسبت به وی اعمال گردد.

– نفقه‌ای که یک شهروند کشورهای دیگر عضو اتحادیه اروپا به همسر جدا شده یا طلاق داده خود می‌پردازد، در حالی که پرداخت کننده مقیم آلمان و دریافت کننده مقیم کشور دیگر عضو اتحادیه می‌باشد، به عنوان هزینه در همان حدی که برای اتباع آلمان مجاز است، در محاسبه مالیات بر درآمد پرداخت کننده پذیرفته خواهد شد.

هزینه نگهداری از کودکان که به یکی از والدین طلاق گرفته یا جدا شده وی پرداخت می‌شود، در صورتی که محل زندگی دائمی طفل و مؤدی هر دو در آلمان باشد، قابل قبول به هزینه می‌باشد. این مزیت به مؤدیانی که تبعه و مقیم سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستند، نیز تسری داده شده است.

ژاپن – مسکن مورد استفاده مدیران

به موجب دستورالعمل سازمان مالیاتی این کشور، مسکن واگذاری از سوی کارفرمایان به مدیران و اعضاء هیئت های مدیره مؤسسات باید از حیث مالیاتی معادل ارزش اجاری عادلۀ روز آنها ارزیابی شود، و این در صورتی است که چنان خانه‌هایی از حد متعارف و استاندارد تجاوز کند. هر مسکنی که مساحت آن از ۳۴۰ متر مربع بیشتر بوده یا دارای تسهیلات لوکسی مانند استخر شنا باشد، و یا حتی در صورتی که

مسکن مربوط با شرایط خاصی صرفاً به خاطر ارضاء سلیقه‌های شخصی مدیران تدارک شده باشد، معمولاً غیر متعارف و خارج از استاندارد تلقی می‌شود.

در مورد مسکن متعارف همان شیوه پیشین جاری خواهد بود، به این معنی که بین ۲۵ تا ۵۰ درصد اجاره بهای پرداختی شرکت به عنوان مزایای مشمول مالیات مؤدی در نظر گرفته خواهد شد.

مقدونیه – عقد قرارداد مالیاتی با ترکیه

از سابقه حساسیت‌های یونان در قبال کشور نوبنیاد مقدونیه همگان آگاهند و همچنین همه می‌دانند که روابط یونان و ترکیه با چه سابقه دیرینه‌ای از رقابت و آزردهی‌های متقابل همراه است. در چنین شرایطی طبیعی است که موجبات نزدیکی مقدونیه و ترکیه فراهم آید. نمونه‌ای از

این نزدیکی عقد قرارداد اجتناب از اخذ مالیات مضاعف بین ترکیه و مقدونیه است. شرایط قرارداد با تسهیلات بسیاری همراه است. از جمله مالیات تکلیفی که از سود سهام پرداختی توسط شرکت‌های مقیم یکی از دو کشور به سهامداران مقیم کشور دیگر متعاهد در منبع قابل کسر است،

توسط مؤسسات یکی از دو کشور به سرمایه‌گذاران مقیم کشور دیگر صفر درصد است و در مورد درآمد حاصل از حق‌الامتياز این نرخ تنها به ۱۰ درصد بالغ می‌گردد.

فقط معادل ۱۰ درصد می‌باشد و در صورتی که سهامدار مالک ۲۵ درصد از سهام شرکت باشد میزان فوق به نصف یعنی فقط ۵ درصد تنزل می‌یابد. نرخ مالیات در منبع بابت بهره پرداختی

مکزیک - قرارداد اصلاحات مالیاتی

مالیاتی ۴/۹ درصد استفاده خواهند نمود.
- اجازه انتقال زیان سنواتی از ۵ سال به ۱۰ سال افزایش یافته است.
- مؤسسات کوچکی که سرمایه و درآمدشان از حد معینی تجاوز نمی‌کند و تدارک‌کننده کالا و خدمات برای عامه می‌باشند، می‌توانند به میل خود از یک نظام ویژه مالیاتی استفاده کنند، و آن این که بجای رسیدگی به حساب سود و زیان ایشان، مالیاتی به نرخ مقطوع ۲/۵ درصد روی عملکرد ناخالص سالانه خود بپردازند.
- درآمد اشخاص غیر مقیم از واگذاری اوراق بهادار تابع مالیات بر درآمد مکزیک خواهد بود، مشروط بر این که لااقل ۵۰ درصد ارزش رسمی اوراق مورد معامله مربوط به اموال غیر منقول واقع در مکزیک باشد.

از مدت‌ها پیش بین دولت مکزیک، نمایندگان اتحادیه‌های کارگری، بخش‌های روستائی و بازرگانی و بانکی آن کشور مذاکراتی پیرامون اصلاحات مالیاتی جریان داشت که عاقبت به توافق بین آنها و انجام یک سلسله تغییرات در قوانین این کشور منجر گردید، از جمله:
- بهره پرداختی به مؤسسات مالی غیر مقیم (مشمول بر بانک‌ها) که در وزارت دارائی مکزیک به ثبت رسیده و مقیم یک کشور طرف قرارداد مالیاتی با مکزیک باشند، تابع نرخ مالیات تکلیفی ۴/۹ درصد خواهد بود که در منبع کسر می‌شود. این نرخ قبلاً ۱۵ درصد بوده است.
- مؤسسات ثابت شرکتهای مکزیکی در کشورهای طرف قرارداد مالیاتی بابت درآمد بهره سرمایه‌گذاری در مکزیک نیز از نرخ نازل

نویس (Nevis) - شرکت با مسئولیت محدود

کانادا، ملکه انگلستان بر آن پادشاهی دارد، مقررات جدیدی را وضع کرده است که مطالعه آن از نظر معافیت‌های گسترده مالیاتی جالب به نظر می‌رسد. به موجب این مقررات هر کسی اعم

این جزیره بسیار کوچک دریای کارائیب که همراه با جزیره دیگری در نزدیکی خود (St. Kitts) چند سال پیش استقلال خود را بازیافت و در عین حال همانند کشورهای نظیر

همچنین سود سهام پرداختی شرکت - به شرط آن که در نویس فعالیتی نداشته باشد - از هر گونه مالیات معاف است. دریافت کنندگان سود سهام نیز از هر گونه مالیاتی معاف اند، مشروط بر آن که تبعه یا مقیم نویس نباشند.

از آن که شهروند یا مقیم نویس بوده یا نباشد می تواند در این سرزمین یک شرکت با مسئولیت محدود تشکیل دهد. هر گونه درآمد شرکت به شرط این که از منابع خارج از جزیره حاصل شود از مالیات بر درآمد و دارائی معاف است.

پاراگوئه - مالیات بر درآمد کشاورزی

ماشین آلات کشاورزی، حقوق و دستمزد و پرداختی و هر گونه مالیاتی که در رابطه با مال غیر منقول تأدیه شده باشد، بانکها و مؤسسات مالی که اراضی به عنوان تضمین وام در وثیقه ایشان است از پرداخت مالیات کشاورزی معاف اند، مشروط بر این که مدت نگهداری وثیقه نزد ایشان از یک سال تمام تجاوز نکند.

در حالی که فعالیت های کشاورزی در اکثر نقاط جهان از مالیات معاف است، پاراگوئه هنوز بر اخذ چنین مالیاتی اصرار دارد. به موجب مقررات جدید مالیاتی، درآمد ناویژه کشاورزی برابر ۱۲ درصد ارزش زمین مورد زراعت برآورد می شود. هزینه های قابل کسر از درآمد ناویژه عبارتند از بهره پرداختی در ازاء وام دریافتی برای فعالیت های زراعی، استهلاک وسایل و

رومانی - حق تمبر اسناد رسمی

به موجب مقررات جدید جدول نرخ های مربوط به حق تمبر دریافتی از معاملات مربوط به اموال غیر منقول به پول ملی (Lei) به شرح زیر است:

در رومانی تا چندی قبل دفاتر اسناد رسمی دولتی بودند ولی بعداً تأسیس دفتر از سوی بخش خصوصی جایز شناخته شد و پای اخذ مالیات از فعالیت های این دفاتر نیز به میان آمد.

مالیات (مبلغ معین بعلاوه درصد روی مابه التفاوت)

۴٪ (حداقل ۱۰۰۰۰ Lei)

۳٪ + Lei ۴۰۰۰۰ درصد روی تفاوت

۲٪ + Lei ۱۶۰۰۰۰ درصد روی تفاوت

۱/۵٪ + Lei ۲۶۰۰۰۰ درصد روی تفاوت

۱٪ + Lei ۳۳۵۰۰۰ درصد روی تفاوت

ارزش مال (Lei)

از ۰- تا ۱۰۰۰۰۰۰

از ۱۰۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰۰

از ۵۰۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰۰

از ۱۰۰۰۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰۰۰

از ۱۵۰۰۰۰۰۰ به بالا

لاتویا - تعویق پرداخت مالیات

بیاندازند. برای این که مؤسسات فروش اتومبیل بتوانند چنین اجازه‌ای را از مقامات مربوط دریافت دارند لازم است وکالت نامه کتبی از مؤسسات خارجی سازنده تحصیل نمایند مبنی بر این که نمایندگی مجاز فروش اتومبیل‌های آن مؤسسات را دارا می‌باشند. مالیات مربوط ظرف ۳ روز از تاریخ فروش باید پرداخت شود و اگر اتومبیل تا یک سال از تاریخ ورود به فروش نرسد باید مالیات آن تأدیه گردد و یا از کشور مجدداً صادر شود.

هیئت وزیران این کشور تازه استقلال یافته ساحل دریای بالتیک تصویبنامه‌ای را گذرانیده است که به موجب آن اجازه داده می‌شود مالیات مربوط به اتومبیل‌های وارداتی (شامل حقوق گمرکی، مالیات غیر مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده) به زمانی موکول شود که اتومبیل فروخته می‌شود. این ارفاق در حق دلانان مجاز اتومبیل که اجازه مخصوص از سازمان مالیاتی کشور دریافت داشته‌اند، قابل اعمال است و آنها به این ترتیب خواهند توانست پرداخت بدهی مالیاتی خود را تا زمان فروش اتومبیل‌ها به تعویق

پاکستان - تشویق مالیاتی

گمرکی معاف شناخته شده و مؤسسات زیربند به مدت ۷ سال از معافیت کامل مالیاتی بابت تولید و صدور فرآورده‌های مورد بحث استفاده می‌کنند.

این کشور همانند هند مساعی زیادی برای تشویق تولیدکنندگان و صادرکنندگان نرم افزارهای کامپیوتری مبذول می‌دارد. از جمله به موجب مقررات جدید هر گونه واردات وسایل و تجهیزات لازم به این منظور از مالیات‌ها و حقوق

سری لانکا - شرکتهای برجسته

آمریکائی به بالا باشد. سود سهام پرداختی چنین شرکت‌هایی در صورت احراز شرایط معینی از هر گونه مالیات معاف می‌باشد و درآمد آنها از حق‌الامتیازهای خود بجای نرخ ۱۵ درصد معمولی از نرخ ارفاقی ۱۰ درصد استفاده خواهد

در مقررات مالیاتی جدید سری لانکا عنوان مذکور به شرکت‌هایی اطلاق می‌شود که با سازمان سرمایه‌گذاری این کشور قراردادهای مهمی منعقد ساخته باشند. این قراردادها باید متضمن تعهد سرمایه‌گذاری از ۵۰ میلیون دلار

می‌نمایند. شرایط برخورداری از این ارفاق و ضوابط تشخیص تکنولوژی پیشرفته نیز به تصویب رسیده است. علاوه بر این ظرف مدت ۵ سال فوق هر گونه زیان سنواتی قابل انتقال به دوره‌های بعد می‌باشد.

کرد، همچنین با کارکنان خارجی این شرکت‌ها از حیث مالیاتی تا مدت ۵ سال از آغاز کار به عنوان غیرمقیم رفتار خواهد شد و از آن پس نیز تابع نرخ ارفاقی ۱۵ درصد خواهد بود. ضمناً شرکت‌هایی که تکنولوژی پیشرفته ارائه می‌کنند تا ۵ سال از معافیت مالیاتی کامل استفاده

اتریش - خانه و زندگی مضاعف

مذکور در اتریش به میان می‌آید، وی مدعی کسر هزینه‌هایی می‌شود که در رابطه با خانه و زندگی او در آمریکا انجام شده بوده است. مقامات مالیاتی اتریش این تقاضا را رد کردند و هزینه‌های مورد بحث را در محاسبه مالیات بر درآمد اتریش نامربوط دانستند، همان گونه که اگر از اجاره خانه مورد بحث در آمریکا درآمدی برای مؤدی حاصل می‌شد، از نظر مالیاتی در اتریش نامربوط تلقی می‌گشت.

وزارت دارائی اتریش طی بخشنامه‌ای یک قضیه خاص مالیاتی را مورد بررسی قرار داده و تکلیف آن را از جهت مالیاتی معین کرده است. جریان از این قرار بوده است. که یکی از کارکنان وابسته به یک گروه بین‌المللی از سوی گروه مأمور می‌شود که برای انجام پروژه‌ای به اتریش برود. وی که خود از اتباع ایالات متحده آمریکا بوده و در آن کشور خانه و زندگی داشته، در اتریش نیز برای خویش خانه و زندگی جداگانه به راه می‌اندازد. هنگامی که پای محاسبه بدهی مالیاتی کارمند

تالین - مالیات بر آگهی‌های بازرگانی

مذکور بویژه در مورد دخانیات و مشروبات الکلی بسیار زیاد است و به سه برابر مالیات مربوط به سایر آگهی‌ها بالغ می‌گردد. جمع درآمد سالانه از این مالیات محلی به حدود ۱۰ میلیون کرون برآورد می‌شود که نزدیک به ۹۰۰ هزار دلار ارزش دارد.

در این شهر که پایتخت جمهوری تازه به استقلال رسیده استونی است، مالیات جدیدی از سوی شورای شهرداری محل بر آگهی‌های تجارتي وضع شده است. نرخ‌های مختلفی برای این مالیات در نظر گرفته شده است که بر حسب اندازه و محل نصب آگهی فرق می‌کند. نرخ



هزارستان مالیاتی روس

اقتباس از نشریه اکونومیست

مجاری مالیاتی فدراسیون روسیه و پیچ و تاب‌هایی که جامعه دگرگون‌گشته روس در این زمینه - همانند بسیاری زمینه‌های دیگر - با آن روبروست، زیانزد جراید و رسانه‌های دنیاست. هر روز افسانه تازه‌ای در این باب ساز می‌شود و قصه‌های عجیب و غریبی شایع می‌گردد. بد نیست برخی از این شگفتی‌ها را به نقل از اکونومیست لندن برای سرگرمی خوانندگان خود نقل کنیم.

شمار مالیات‌ها و عوارض در سطح فدرال، نواحی و مناطق مختلف این فدراسیون پهناور به چنان مقیاس سرسام‌آوری رسیده و تکالیف مالیاتی مؤدیان در زمینه تهیه اظهارنامه‌ها و صورت‌های مالیاتی به حدی گسترش یافته که میلیون‌ها مؤدی مالیاتی را به گریز و اختفاء از شناسائی مالیاتی واداشته‌است. اکثریت قریب به اتفاق مؤدیان اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی می‌کوشند به هر نحوی که شده خود را از معرض این هجوم سرسام‌آور کنار بکشند و در نتیجه همواره سطح واقعی درآمد دولت از محل مالیات‌ها بسیار کمتر از ارقامی است که در بودجه این کشور پیش‌بینی می‌شود.

با این که دولت تحت فشار عمومی برای درمان این وضع بارها وعده کرده است که از تعداد مالیات‌ها و تنوع آن‌ها به میزان قابل توجهی بکاهد، اما از سوی دیگر تنگناهای مالی و نیاز مبرم مالیه مملکت به درآمدهای مالیاتی سبب می‌شود که جریان ابداع انواع

جدید مالیات‌ها و عوارض همچنان ادامه یابد. چندی قبل فرمان ریاست جمهوری در مورد معاملات بانکی صادر شد و به موجب آن به سازمان مالیاتی اختیار داده شد که تمامی این نوع معاملات را تحت بازرسی قرار داده و مالیات‌هایی - تقریباً به طور دلخواه - بر آن‌ها وضع نماید. اما سر و صدای عظیمی که این ابداع مالیاتی به راه انداخت، دولت را مجبور کرد اندکی بعد فرمان مذکور را لغو کند. پس از آن یک کمیسیون اضطراری با اختیارات فراوان جهت کشف و تعقیب مالیات‌گریزان بزرگ تشکیل شد که آن نیز با مقاومت سیاستمداران مناطق مختلف روبرو شد و خشی گشت. سپس نوبت به مالیات مرزی رسید که هرگونه عبور مسافر و بار را از مرزهای فدراسیون روسیه شامل می‌گشت. پس از آن نوبت قانون راجع به برجسب مشروبات بود، ولی در نیژنی نوگورود ماموران مالیات خود از گرفتن و توزیع به‌موقع باندول‌ها طفره رفتند و در نتیجه کارخانه‌ها نتوانستند محصولات خود را به سبب نداشتن برجسب بیرون بدهند. وضع مالیات بر اوراق بهادار نیز تقاضا برای اوراق قرضه دولتی را به‌نحو فاحشی پائین آورد.

قانون عجیب دیگر هر فردی را که برای معامله واحد (مثل خرید اتومبیل) بیش از ۶۰۰۰۰ دلار خرج کند، ناچار از تسلیم گزارش مالیاتی ساخت که طی آن ناچار بود منبع تهیه این اندازه پول را به نحو قابل توجهی نشان دهد، تا اگر گریز از مالیات صورت گرفته باشد

با این که دولت تحت فشار عمومی برای درمان این وضع بارها وعده کرده است که از تعداد مالیات‌ها و تنوع آن‌ها به میزان قابل توجهی بکاهد، اما از سوی دیگر تنگناهای مالی و نیاز مبرم مالیه مملکت به درآمدهای مالیاتی سبب می‌شود که جریان ابداع انواع

تحت تعقیب قرارگیرد.

مالیاتی و مقابله با نافرمانی‌های از این نوع را بر عهده گرفت. البته ذکر این نکته نیز ضرورت دارد که هرج و مرج مالیاتی یک پدیده مجزی از مسائل دیگر این کشور نیست، بلکه جزئی جدائی ناپذیر از مجموع حیات پر تلاطم اجتماعی روسیه به شمار می‌رود و درمان مؤثر آن نیز تابعی از نظم و نسق کلی جامعه می‌باشد.

این اوضاع و احوال مقاومت‌های بسیاری را به دنبال داشت که گاهی با فاجعه نیز همراه بوده است. سال گذشته ۲۶ مامور مالیاتی به قتل رسیدند و ۷۴ مامور دیگر مجروح شدند. بر اثر این وضع دولت تصمیم گرفت به زور متوسل شود. ژنرال آناتولی کولیکوف که فرماندهی قوای پلیس و ۲۰۰۰۰۰ نیروهای شبه نظامی را بر عهده داشت وظیفه سامان دادن به امر

قوانین، تصویب‌نامه‌ها، و بخشنامه‌ها

و آراء هیأت‌های عمومی شورای عالی مالیاتی و دیوان عدالت اداری

آئین‌نامه اجرائی مالیات نقل و انتقال دست دوم به بعد انواع خودرو موضوع تبصره ۴ ماده ۹ قانون اجازه وصول مالیات غیرمستقیم از برخی کالاها و خدمات

ماده ۱- پرداخت مالیات نقل و انتقال از طریق قبوض مخصوصی که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی چاپ و در اختیار بانکها قرار می‌گیرد قابل پذیرش بوده و باید مشخصات کامل خودرو یا ماشین‌آلات راه‌سازی، اعم از نوع، سیستم، مدل، شماره شهربانی، شماره موتور و شاسی و نام مالک در آن درج و به مهر شعبه مهور و توسط ماشین تولیداری پرفراژ شده‌باشد. دفاتر اسناد رسمی مکلفند پس از تنظیم سند و ثبت شماره سند و شماره دفترخانه در کلیه نسخ قبض مالیاتی، نسخه مربوط به خود را همواره نگهداری نمایند و در صورت تخلف مطابق بند یک تبصره (۷) ماده یک قانون وصول مالیات نقل و انتقال اتومبیل‌های غیرسواری و اصلاح بعضی از مواد قانون مالیاتهای مستقیم و اصلاحیه‌های بعدی مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۱ با آنان رفتار خواهدشد.

تبصره - ادارات راهنمایی و رانندگی موظفند پس از ملاحظه نسخه قبض مالیات نقل و انتقال مربوط به پرداخت کننده نسبت به ثبت انتقال در سوابق اقدام نمایند.

ماده ۲- دفاتر اسناد رسمی مکلفند در تنظیم و کالتنامه‌های کلی در مورد انتقال اموال، و کالت نسبت به خودروها یا ماشین‌آلات راهسازی موضوع این آیین‌نامه را تصریح یا مستثنی نمایند و در صورت تخلف از مفاد این ماده، مطابق بند (۳) تبصره (۷) ماده یک قانون مالیات نقل و انتقال اتومبیل‌های غیرسواری و اصلاح بعضی از مواد قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحیه‌های بعدی مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ با آنان رفتار خواهد شد.

ماده ۳- مالیات خودروهایی که برای مصارف خاص، برحسب نوع استفاده وسایل و تجهیزات مشخصی بر روی آنها نصب شده (مانند خودروهای آتش‌نشانی، جرثقیل و آمبولانس) یا توجه به شاسی آنها که می‌تواند از نوع سواری یا غیرسواری باشد، تعیین می‌گردد.

ماده ۴- اقاله اسناد خودرو و ماشین‌آلات راه‌سازی مشمول مالیات نقل و انتقال نخواهد بود، لیکن مالیات وصول شده از معامله‌ای که منجر به اقاله شده است، قابل استرداد نمی‌باشد.

ماده ۵- قبوض پرداخت مالیات در هر شهرستان برای انجام معامله و تنظیم سند در همان شهرستان قابل پذیرش می‌باشد.

ماده ۶- وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و بازرگانی حسب مورد می‌توانند با توجه به تنوع خودروها، موتورسیکلت‌ها و ماشین‌آلات راه‌سازی و عدم ورود یا ساخت برخی از آنها، و به لحاظ تسهیل در امر وصول مالیات، نسبت به تعیین ارزش براساس موارد مشابه اقدام نمایند.

ماده ۷- مفاد کلیه تبصره‌های ماده (۷) لایحه قانونی اصلاح بعضی از مواد قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۵۹/۴/۲۵ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و تبصره‌های ماده یک قانون وصول مالیات از اتومبیل‌های غیرسواری و اصلاح بعضی از مواد قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحیه‌های بعدی مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ (به استثنای تبصره ۲) و همچنین ماده (۲) قانون اخیرالذکر نسبت به خودروها و موتورسیکلت‌ها و ماشین‌آلات راه‌سازی موضوع این آیین‌نامه نیز جاری می‌باشند.

معاون اول رئیس جمهور - حسن حبیبی

بخشنامه شماره ۵۲۷۴۸/۱۱۹۲۱ - ۳۰/۴ مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۱۰

نظر باینکه تعدادی از مودیان محترم مالیاتی پس از طرح و رسیدگی پرونده‌های آنان در هیئتهای حل اختلاف مالیاتی موضوع ماده ۲۱۶ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶، در مراجعه به مراجع بعدی به لحاظ ابهامات موجود با مشکلاتی مواجه می‌شوند و این اشکال بعضاً سبب تضییع حق برخی اشخاص که آگاهی کامل نسبت به مقررات قانون ندارند می‌گردد، لذا مقتضی است پیرو

دستورالعمل شماره ۲۵۶۱۶/۲۵۶۳۵/۴/۳۰-۱۴/۶/۱۳۶۹ به هیئتهای حل اختلاف مالیاتی مذکور مستقر در آن اداره یادآوری نمایند از این پس در انشاء رای موارد زیر را ملحوظ نظر قرار دهند.

۱- در مواردیکه وصول مالیات قبل از طرح پرونده در هیئت حل اختلاف مالیاتی بدوی یا بدون اخذ رای قانونی این هیئت بموقع اجرا گذارده شده است و بعلت عدم قطعیت مالیات هیئتهای موضوع ماده ۲۱۶ مزبور یا استناد به مقررات تبصره یکم این ماده وارد ماهیت رسیدگی شده و بعنوان جایگزین هیئت بدوی رای صادر می نمایند لازم است در خاتمه متن رای این عبارت را قید نمایند که «رای صادره در صورت اعتراض ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ، برابر ماده ۲۴۷ قانون مالیاتهای مستقیم قابل تجدیدنظر می باشد».

۲- در مواردیکه وصول مالیات با وجود قابل بودن پرونده در هیئت حل اختلاف تجدیدنظر، بدون اخذ رای قانونی این هیئت بموقع اجرا گذارده شده باشد، در این حالت نیز اگر هیئتهای موضوع ماده ۲۱۶ یا استناد به مقررات تبصره یکم یادشده بعنوان هیئت تجدیدنظر به موارد اختلاف رسیدگی می نمایند، لازم است در پایان رای خود قید نمایند که «مودی و ممیز کل مالیاتی مربوط حسب مورد می توانند ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ این رای به شورای عالی مالیاتی برابر ماده ۲۵۱ قانون مالیاتهای مستقیم شکایت کنند». مسئول حسن اجرای این دستورالعمل مدیران کل واحدهای ذیربط خواهند بود. داریوش ایرانبدی معاون درآمدهای مالیاتی

بخشنامه شماره ۴۱۵/۱۹۹۶-۳۰/۴ مورخ ۱۳۷۶/۱/۲۱

نظریاینکه مقررات تبصره ماده ۴۸ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ مجلس شورای اسلامی و اصلاحیه بعدی آن صرفاً در ارتباط با تعلق صد در صد سرمایه شرکت به دولت می باشد و لاغیر بنابراین توجه خواهند داشت که مقررات مذکور در خصوص شرکتهای تابعه و وابسته به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران جاری نبوده و سهام شرکتهای یادشده مشمول مقررات متن ماده ۴۸ قانون مالیاتهای مستقیم خواهند بود و مفاد این بخشنامه به تأیید اکثریت اعضاء هیأت عمومی شورایعالی مالیاتی نیز رسیده است. داریوش ایرانبدی معاون درآمدهای مالیاتی

بخشنامه شماره ۶۶۱/۲۷۹۰-۳۰/۴ مورخ ۱۳۷۶/۱/۲۶

در اجرای مقررات مربوط به قانون اصلاح ماده ۸۴ قانون مالیاتهای مستقیم و اصلاحات بعدی آن مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۹ مجلس شورای اسلامی و بمنظور محاسبه صحیح مالیات حقوق از اول سال ۱۳۷۶ نکات زیر متذکر می گردد:

۱- با در نظر گرفتن حداقل عدد مبنا در جدول حقوق موضوع ماده یک قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰/۶/۲۴ که عدد چهارصد می باشد و اینکه طبق مصوبه شماره ۵۰۹۲۲/۵/ت ۱۷۰۴۲ مورخ ۱۳۷۶/۱/۱۸ هیات محترم وزیران ضریب جدول حقوق موضوع ماده ۳۳ قانون استخدام کشوری از ۱۳۷۶/۱/۱ یکصد و شصت ریال تعیین گردیده است بنابراین میزان معافیت مالیاتی سالیانه موضوع ماده ۸۴ اصلاحی فوق الذکر بشرح زیر خواهد بود.

$$\text{درآمد سالیانه معاف از مالیات حقوق} = ۶۰ \times ۴۰۰ \times ۱۶۰ = ۳۸۴۰۰۰۰$$

۲- با توجه به مقررات تبصره یک ذیل ماده ۸۴ اصلاحی مزبور، اضافه کاری مشمول قانون کار در بخش غیردولتی نیز تا حد نصاب ۵۰٪ ساعات کار روزانه مطابق نرخ مالیاتی مقرر برای اضافه کاری مشمولین قانون نظام هماهنگ بوده و چنانچه مازاد بر ۵۰٪ ساعات کار روزانه و جوهی بابت اضافه کاری به کارکنان مزبور پرداخت گردد این مازاد به جمع درآمد مشمول مالیات حقوق اضافه شده و طبق مقررات مربوط مشمول مالیات خواهد بود.

۳- چون حداکثر حقوق موضوع ماده ۸ لایحه قانونی مربوط به حداکثر و حداقل حقوق مستخدمین شاغل و بازنشسته و آماده بخدمت مصوب ۱۳۵۸/۲/۴ شورای انقلاب اسلامی ایران مبلغ ۱۲۰۰۰۰ ریال در ماه می باشد بنابراین مطابق مقررات تبصره ۲ ماده ۸۴ اصلاحی یادشده ۲۵٪ از مالیات متعلق به کل مبالغ پرداختی تا مبلغ ۴۰۰۰۰۰ ریال (حداکثر حقوق سالیانه اعم از حقوق و فوق العاده شغل و وجوه موضوع بند ۱۳ و ۱۵ ماده ۹۱ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ و اصلاحی آن) به حقوق بگیران بخشوده گردیده و نسبت به مازاد این مبلغ مالیات متعلق مطابق مقررات موضوعه محاسبه خواهد شد.

جهت روشن شدن بیشتر موضوع و بعنوان مثال مالیات حقوق در دو فرض بشرح زیر محاسبه می گردد:

الف - پرداخت کننده حقوق وزارتخانه یا مؤسسه دولتی است و جمع حقوق و فوق العاده شغل ماهانه حقوق بگیر ۵۰۷۰۰۰ ریال و فوق العاده حق جذب ۱۴۴۰۰۰ ریال ۷ فوق العاده شرایط محیط کار ۵۰۰۰۰ ریال، فوق العاده محرومیت از تسهیلات زندگی ۵۶۴۰۰ ریال و اضافه کاری ساعتی ۱۵۰۰۰۰ ریال که جمع دریافتی ماهیانه مبلغ ۹۰۷۴۰۰ ریال می باشد. نحوه محاسبه:

درآمد مشمول مالیات مستمر ماهیانه عبارت از مبلغ
 حقوق و فوق العاده شغل مستمر سالیانه مشمول مالیات
 کسر می شود معافیت موضوع قانون اصلاح ماده ۸۴
 مالیات سالانه قبل از کسر بخشودگی (۲۵٪)
 ۱۲۱ روی رقم ۲۲۴۴۰۰۰ (ریال)
 ۲۵٪ بخشودگی مالیات موضوع تبصره ۲

$$۵۰۷۰۰۰ \times ۱۲ = ۶۰۸۴۰۰۰$$

$$۶۰۸۴۰۰۰ - ۳۸۴۰۰۰۰ = ۲۲۴۴۰۰۰$$

$$۲۲۴۴۰۰۰ \times ۲۵\% = ۵۶۱۰۰$$

مالیات متعلق سالانه

$$343920 - 85980 = 257940$$

$$257940 \times 12 = 3095280$$

$$150000 \times 10\% = 15000$$

$$15000 \times 25\% = 3750$$

$$15000 - 3750 = 11250$$

جمع مالیات متعلق به حقوق و فوق العاده شغل و اضافه کاری ماهیانه ریال $3095280 + 11250 = 3096405$

چنانچه حقوق بگیر مزبور شاغل در روستا یا در نقاط محروم باشد در اینصورت با استناد ماده ۹۲ و

ذیل تبصره ۲ قانون اصلاح ماده ۸۴، پنجاه درصد مالیات متعلق نیز بخشوده خواهد شد که در

$$3096405 \times 50\% = 1548202.5$$

اینصورت مالیات متعلق به نصف تقلیل می یابد

توضیح: از آنجا که فوق العاده های جذب، شرایط محیط کار، محرومیت از تسهیلات زندگی بموجب

بند ۶ ماده ۹۱ قانون مالیاتهای مستقیم از پرداخت مالیات معاف است لذا در محاسبه درآمد مشمول

مالیات منظور نگردیده است.

ضمناً چون جمع دریاقتی ماهیانه حقوق بگیر از سقف تعیین شده در تبصره ۲ قانون اصلاح ماده ۸۴

کمتر است بخشودگی مالیات موضوع این تبصره نسبت به اضافه کاری دریاقتی نیز اعمال گردیده

است.

ب- پرداخت کننده حقوق یک شرکت خصوصی است که در اینصورت نحوه محاسبه بشرح زیر

خواهد بود:

حقوق اصلی 507000 ریال، فوق العاده حق جذب 144000 ریال، فوق العاده شرایط محیط کار

50000 ریال، کمک هزینه عائله مندی 42000 ریال، کمک هزینه اولاد 144000 ریال، اضافه کاری

150000 ریال (بمدت ۷۲ ساعت در ۳۰ روزکاری) که جمع دریاقتی ماهیانه مبلغ 907400 ریال

می باشد.

$$507000 \times 30\% = 152100$$

۳۰٪ حقوق اصلی طبق بند ۶ ماده ۹۱

$$144000 + 50000 = 194000$$

جمع فوق العاده های موضوع بند ۶ ماده ۹۱

$$194000 - 152100 = 41900$$

فوق العاده مشمول مالیات طبق بند ۶ ماده ۹۱

$$507000 + 41900 + 42000 + 144000 = 694900$$

حقوق و مزایای مستمر ماهیانه مشمول مالیات

$$694900 \times 12 = 8338800$$

حقوق و مزایای مستمر سالانه مشمول مالیات

$$8338800 - 2840000 = 5498800$$

درآمد مشمول مالیات حقوق پس از کسر معافیت ماده ۸۴ اصلاحی

$$5498800 \times 25\% = 1374700$$

مالیات سالیانه قبل از کسر بخشودگی (۲۵٪)

۱۳۱ روی رقم 3423600 ریال)

$$5498800 - 1552225 = 3946575$$

مالیات متعلق به حقوق و مزایای مستمر مشمول مالیات سالانه

$$۴۶۵۶۷۵ : ۱۲ = ۳۸۸۰۶$$

$$۱۵۰۰۰۰ \times ۱۰\% = ۱۵۰۰۰$$

$$۱۵۰۰۰ \times ۲۵\% = ۳۷۵۰$$

$$۱۵۰۰۰ - ۳۷۵۰ = ۱۱۲۵۰$$

مالیات متعلق ماهانه بر اضافه کاری

$$۳۸۸۰۶ + ۱۱۲۵۰ = ۵۰۰۵۶$$

جمع مالیات متعلق ماهانه

توضیح: چون اضافه کار پرداختی برای کارکرد ماهیانه، کمتر از نصاب مذکور در ذیل تبصره یک قانون اصلاح ماده ۸۴ می باشد لذا کل اضافه کار دریافتی مشمول تبصره یک قانون فوق الذکر بوده و چون جمع دریافتی ماهیانه حقوق بگیر از سقف تعیین شده در تبصره ۲ همین قانون کمتر است. بخشودگی مالیات موضوع تبصره ۲ اخیرالذکر نسبت به اضافه کاری دریافتی نیز اعمال گردیده است. همچنین جهت سهولت بیشتر جدول محاسبه مالیات بر درآمد حقوق بطور ماهانه نیز تهیه و پیوست می باشد تا پرداخت کنندگان حقوق حسب مورد از آن استفاده لازم را بنمایند.

داریوش ایرانبندی معاون درآمدهای مالیاتی

جدول مالیات حقوق از اول سال ۱۳۷۶ براساس اصلاحیه ماده ۸۴ و اصلاحات بعدی آن مصوب ۷۵/۲/۱۹ مجلس

شورای اسلامی

ارقام به ریال

مبلغ مالیات	حقوق ماهیانه	مبلغ مالیات	حقوق ماهیانه
۱۱۲۵۶۳	۹۰۰۰۰۰	معاف	۳۲۰۰۰۰
۱۳۸۸۱۳	۱۰۰۰۰۰۰	۹۰۰	۳۳۰۰۰۰
۱۹۶۱۸۸	۱۲۰۰۰۰۰	۱۸۰۰	۳۴۰۰۰۰
۲۷۶۱۸۸	۱۴۰۰۰۰۰	۲۷۰۰	۳۵۰۰۰۰
۳۵۶۱۸۸	۱۶۰۰۰۰۰	۷۲۰۰	۴۰۰۰۰۰
۴۳۶۱۸۸	۱۸۰۰۰۰۰	۱۳۸۰۰	۴۵۰۰۰۰
۵۱۶۱۸۸	۲۰۰۰۰۰۰	۲۰۵۵۰	۵۰۰۰۰۰
۵۹۶۱۸۸	۲۲۰۰۰۰۰	۲۸۴۳۸	۵۵۰۰۰۰
۶۷۶۱۸۸	۲۴۰۰۰۰۰	۳۷۸۱۳	۶۰۰۰۰۰
۷۶۶۰۲۱	۲۶۰۰۰۰۰	۴۷۱۸۸	۶۵۰۰۰۰
۸۵۶۰۲۱	۲۸۰۰۰۰۰	۶۰۰۶۳	۷۰۰۰۰۰
۹۴۶۰۲۱	۳۰۰۰۰۰۰	۷۳۱۸۸	۷۵۰۰۰۰
۱۱۷۱۰۲۱	۳۵۰۰۰۰۰	۸۶۳۱۳	۸۰۰۰۰۰
۱۳۹۶۰۲۱	۴۰۰۰۰۰۰	۹۹۴۳۸	۸۵۰۰۰۰

رأی شماره ۱۳۷۷۷-۳۰/۴ مورخ ۲۸/۱۲/۷۵ هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی

گزارش مورخ ۱۳۷۵/۵/۱۲ آقای ابوالقاسم گردانی عنوان مقام محترم معاونت درآمدهای مالیاتی حسب ارجاع آن مقام در جلسه مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۲۰ هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی مطرح است.
متن گزارش عیناً عبارتست از:

«همانطور که استحضار دارند اخیراً اغلب شرکتهای تولید خودرو و یا مؤسسات احداث ساختمان با پیش فروش کردن اتومبیل یا ساختمان برای پیش پرداخت مشتریان سود سالیانه معادل ۲۰٪ تا ۲۴٪ و تخفیف ویژه نسبت به بهای روز منظور می نمایند. با عنایت به بند ۲ ماده ۱۴۵ سود یا جوایز متعلق به حسابهای پس انداز و سپرده های مختلف نزد بانکهای ایرانی از پرداخت مالیات معاف است. درصد احتسابی برای وجوه پیش پرداخت فوق الاشاره برابر مقررات قانونی مشمول مالیات می باشد. خواهشمند است دستور فرمائید به منظور اتخاذ رویه واحد جهت وصول مالیات متعلقه موضوع در شورای عالی مالیاتی مطرح و تصمیم مقتضی اتخاذ گردد.»

هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی پس از مطالعه گزارش مذکور و شور و تبادل نظر پیرامون موضوع مطروحه، در اجرای بند ۳ ماده ۲۵۵ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ بشرح زیر اعلام رأی می نماید:
تفاوت قیمتی که تحت عنوان سود سالیانه و یا تخفیف ویژه در این قبیل معاملات بابت پیش پرداخت مشتریان منظور می گردد، درآمد تلقی نشده و نوعی تخفیف فروش است که از شمول مالیات بر درآمد موضوع قانون یاد شده خارج خواهد بود.

محمدعلی خوش اخلاق سیدمحمودحمیدی علی افرا محمدرزاقی غلامحسن هدایت عبدی محمدعلی بیکپور
علی اکبر نوربخش داریوش ال آقا محمدعلی سعیدزاده

بخشنامه شماره ۱۱۹۰۸ مورخ ۱۳۷۶/۳/۲۴

چون به موجب قسمت اخیر بند ۲ تبصره ۳۴ قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور و قسمت اخیر ماده ۸۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۷۳/۱۲/۲۸، تعقیب و اقامه دعوی علیه متخلفین نزد مراجع قضائی منوط به شکایت وزارت امور اقتصادی و دارائی است و نظر به اینکه اعتراض به جرایم موضوع ماده و تبصره یاد شده اصولاً از مصادیق اختلافات مالیاتی قابل طرح در هیئتهای حل اختلاف مالیاتی نمی باشند، لذا مقتضی است حوزه های مالیاتی در موارد اعتراض اشخاص به مطالبه جرایم موصوف، مراتب را با رعایت سلسله مراتب از طریق اداره کل مربوط جهت تعقیب و عندالاقضاء اقامه دعوی به دفتر حقوقی وزارت متبوع اعلام نمایند.

داریوش ایران بدی معاون درآمدهای مالیاتی

بخشنامه شماره ۱۵۹/۶۲۱۴-۳۰/۴ مورخ ۱۳۷۶/۲/۱۶

به قرار اطلاعات واصله، در ارتباط با وضعیت مالیاتی بنیاد علوی ابهاماتی وجود دارد و بعضی از حوزه‌های مالیاتی نسبت به اموال بنیاد مذکور که از طرف بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد مطالبه مالیات می‌نمایند، نظر به اینکه به موجب فرمان حضرت امام خمینی (ره) جهت تشکیل بنیاد مستضعفان، تمام اموال منقول و غیر منقول سلسله پهلوی مصادره و در قسمت اخیر ماده ۲۹ اساسنامه بنیاد مذکور مصوب ۵۹/۴/۲۱ شورای انقلاب اسلامی نیز تصریح گردیده که «بنیاد علوی و امثال آن عنوان جداگانه‌ای نخواهند داشت» و از طرفی نیز حاکم شرع دادگاه ویژه فرمان مورخ ۶۸/۶/۱۶ مقام معظم رهبری و اصل ۴۹ قانون اساسی، حکم بر تعلق کلیه اموال و املاک بنیاد علوی و موقوفات خاندان پهلوی به بنیاد مستضعفان و جانبازان صادر نموده است، لذا مؤکداً یادآوری می‌گردد که بنیاد علوی اصولاً شخصیت حقوقی مستقل نداشته و مأمورین مالیاتی ذیربط مکلفند نسبت به درآمدها و نقل و انتقالات اموال مصادره شده از بنیاد مورد بحث نیز حسب مورد طبق قوانین و مقررات مالیاتی حاکم بر امور مالیاتی بنیاد مستضعفان و جانبازان و با رعایت مفاد دستورالعمل شماره ۱۲۲۸۱ مورخ ۷۲/۴/۲۴ وزارتی اقدام لازم معمول دارند. داریوش ایران‌بیدی معاون درآمدهای مالیاتی

بخشنامه شماره ۷۱۶۵ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰

نظر به طرح سئوالات مکرر راجع به نحوه کسر مالیات تکلیفی از پرداختهای ارزی به پیمانکاران خارجی و همچنین احتساب درآمد مشمول مالیات آنها بابت پرداختهای مذکور، بدینوسیله جهت رفع ابهام یادآور می‌شود:

همانطور که در بخشنامه وزارتی شماره ۳۰/۴/۹۲۰۲/۲۹۲۵۹ مورخ ۱۳۷۱/۸/۱۷ نیز آمده است، ملاک عمل برای تسعیر در اینگونه موارد نرخ برابری نوع ارزی است (مثلاً در وضعیت فعلی صادراتی یا شناور) که از طرف دولت طبق مقررات موضوعه اختصاص یافته است. در این صورت توجه خواهند داشت، هر نرخ که دستگاه اجرائی ذیربط برای طرح یا پروژه مورد پیمان بر آن مبنا حسب مقررات قانون بودجه کل کشور یا مقررات قانونی دیگر گشایش اعتبار اسنادی نزد شبکه بانکی کشور نموده، همان نرخ از حیث مالیات بر درآمد پیمانکار (در مراحل مطالبه و تصفیه حساب) و مالیات تکلیفی نیز مبنای تسعیر ارز خواهد بود. مفاد این بخشنامه به تأیید هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی هم رسیده است. مرتضی محمدخان وزیر امور اقتصادی و دارایی

بخشنامه شماره ۳۰/۴/۲۴۰۵/۹۷۹۰ مورخ ۷۶/۳/۱۱

پیرو بخشنامه شماره ۳۰/۴۶۰۵/۲۸۱۴ مورخ ۱۳۷۶/۱/۲۶ چون به قرار اطلاع دفاتر مؤدیانی که به لحاظ استفاده

از ماشینهای محاسب الکترونیکی یا وسایل دیگر، روش نگاهداری حسابهای خود را تغییر داده‌اند، بعضاً در سنوات قبل مورد قبول حوزه‌های مالیاتی ذریبط قرار گرفته است، لزوماً یادآوری می‌شود: بطور کلی در خصوص مؤدیانی که تاکنون نسبت به تغییر وسایل نگاهداری حسابهای خود اقدام نموده‌اند، صرف عدم کسب موافقت وزارت متبوع موجب بی‌اعتباری یا رد دفاتر آنها نخواهد بود.

داریوش ایران بدی معاون درآمدهای مالیاتی

رأی شماره ۱۳۶۴۳-۳۰/۴ مورخ ۷۵/۱۲/۲۶ هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی

گزارش شماره ۳۹/۱۷۹۱۴ مورخ ۱۳۷۵/۶/۳ اداره کل امور هیئتهای حل اختلاف مالیاتی عنوان معاونت محترم درآمدهای مالیاتی حسب ارجاع آن مقام در جلسه مورخ ۷۵/۱۲/۲۰ هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی مطرح است. مفاد گزارش اجمالاً عبارت از اینست که:

«وراث شخص مقتولی به منظور اجرای حکم قصاص قاتلین، به موجب مقررات موضوعه ملزم به پرداخت مبلغی شده‌اند که پس از تودیع آن و اجرای حکم قصاص، ورثه مقتول مدعی لزوم کسر مبلغ مذکور از دارائیهای متوفی می‌باشند. از آنجا که ماده ۱۹ قانون مالیاتهای مستقیم در مقام تعریف اموال مشمول مالیات بر ارث، هزینه کفن و دفن و دیون محقق و واجبات عبادی و مالی متوفی را قابل کسر از ماترک شناخته، کسر پرداختی مزبور قابل تأمل به نظر می‌رسد، اما با عنایت به حکم ماده ۲۴ قانون یاد شده که به موجب آن دیه از شمول مالیات بر ارث خارج است، شاید بتوان دیه‌ای را هم که وراث مقتول بابت قصاص قاتل پرداخت می‌نمایند، از ماترک قابل کسر دانست. النهایه مصلحت آنست که به منظور اتخاذ رویه واحد موضوع مورد رسیدگی و اظهار نظر شورای عالی مالیاتی قرار گیرد.»

هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی موضوع را مورد شور و بررسی قرار داده در اجرای بند ۳ ماده ۲۵۵ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه بعدی آن رأی خود را بشرح آتی در این باره اعلام می‌نماید:

با عنایت به اینکه در مادتين ۱۹ و ۲۴ و سایر مقررات قانون مالیاتهای مستقیم حکمی برای کسر وجوه پرداختی توسط وراث مقتول جهت قصاص قاتل یا قاتلین از ماترک مقتول پیش‌بینی نگردیده است، وجوه مذکور قابل کسر از ماترک نمی‌باشد.

محمدعلی خوش‌اخلاق سید محمود حمیدی علی افرا محمد زاقی غلامحسن هدایت‌عبدی محمدعلی بیگ پور علی‌اکبر نوربخش داریوش آل‌آقا محمدعلی سعیدزاده



from different points of view. He believes the time has come for revision of relevant regulations and increasing the minimum amount of corporate capital. The possible losses of third persons in case of insolvency of companies (which in most

cases are of limited-liability type) is another aspect of the issue referred to in the article. As far as the taxation problems are concerned, the readership of the journal are invited to make comments.

Regulations and Rulings

The texts of latest laws, regulations, and opinions of the Supreme Council of Taxation are reported in the Persian

section of the Journal. A part of the same is presented in English section under the heading "Tax News".

Tax Glossary

Several tax terms and expressions are presented and defined in each issue of Maliyat

journal. Detailed explanations follow the definition of the terms.

Tax News around the World

A number of international tax news is selected and presented

to the Iranian readership.



of official deeds issued by notaries public. Various causes and reasons motivated the parties to such transactions to conclude private and unofficial agreements for the time being and leaving at the official registration with notaries public to a later time.

Tax offices treat such transactions in a special way. They demand payment of taxes

on rental income for transitional period (between the dates of unofficial and official transfer of properties). The transfer tax is also imposed on the date of official registration as described above.

The author reviews this state of affairs and suggest some ways for more logical method of handling the issue.

Being Accurate in Drawing the Assessment Sheet

The author describes in a narrative language the errors that might occur in tax assessment as a result of carelessness and negligence of relevant officials. He suggests

scrutinizing documents and any kind of evidence before reaching final decision with regard to assessment of tax liabilities.

Thinly Capitalized Corporations

The Official Gazette contains in each issue many cases of establishment of new companies and institutions. A considerable number of registered companies own very

small amount of capital. In some cases the value of the paid portion of the capital does not exceed the price of say 10 to 12 kilos of banana.

The author reviews this situation

Taxation and Developments of Information Technology

Repercussions of progress in the field of information technology are already being sensed in the realm of taxation. The Internet and relationship arising thereof, are distinguished examples of such developments. Needless to say that traditional ideas and methods followed by the past, and even present, generations of taxmen would fail to cope

with the requirements of new conditions. There exists imperative needs for the tax administration to think of a viable procedure for confrontation with the consequences of the said repercussions. The issues pertaining to this subject are examined in the article.

Small Proprietors and Taxation on Rental Income

The article analyzes various difficulties connected with taxation of income from small house. Most of such houses are usually located in poor areas of cities and are jointly occupied by their tenants and landlords. Both categories are commonly

poor and needy, so the process of assessment and collection of taxes faces with plenty of problems and delayment. She (the author) comments on these issues and presents specific proposals for treatment of the situation.

Real Estate Transfer

Transfer of real estate should - according to the Law on

Registration of Deeds and Real Properties - take place on basis

the Ministry of Industry. Therefore, the circular might be taken as meaning that the word "government" in the Note 3 to Article 48, DTA comprises the ministries themselves, and the shares of the companies under discussion must be owned directly by them to be allowed to enjoy the said limitation of taxation. Otherwise, no such limitation shall be granted.



ABSTRACTS OF PERSIAN ARTICLES

Editorial

Foresightedness in the field of taxation is the theme of the Editorial in this issue of Mallyat journal. The atmosphere in which the duties of tax officials are fulfilled, is apt to swift transformation. Tax administration should behave accordingly and prepare itself to face the forthcoming circumstances. This subject is dealt with in the Editorial of both, the Persian and English sections.

understanding of the law before construing thereof by the Parliament. So, in case of spreading the validity of the parliamentary interpretation to the date of adoption of the law, we could encounter serious problems with a wide range of actions that might have been taken in contradiction with the new interpretation.

The Council of Guardians took into consideration the probability of such contradictions and stated that the interpretation of the Parliament in respect of the

ordinary laws is executable from the very date of interpretation, and not from the date of adoption of the relevant law.

It seems that the opinion of the Council of Guardians is quite circumstantial and fails to respond to the logic of the issue. To interpret a law means to discover the intention of the lawmaker. The intention of the lawmaker had existed at the time of making the law, and it is illogical to be attributed to a following date.

PUBLIC COMPANIES AND STAMP DUTY

Article 48 of the Direct Taxation ACT (DTA) provides that shares of joint-stock companies are liable to stamp duty at the rate of 0.2% of their face value. Note 3 of the same article states that the stamp duty in respect of companies whose entire capital belongs to the government shall not exceed Rls 2,000,000.

According to a circular letter signed by the Vice Minister for

Revenue, the limitation of stamp duty so stipulated is pertaining solely to the companies whose shares are totally owned by the government. So, the entities owned by, or affiliated to, the Organization for Expansion and Modernization of Industries may not take benefit from the above-mentioned limitation of stamp duty. It is worth of noticing that the OEMI is an organization under

Several companies and interested parties appealed against the Ministry's circular letters to the Court of Administrative Justice. The Court decided in its Plenary Board against the opinion rendered by the Finance Ministry. It declared that the only condition in the

Article 132, DTA for applicability of exemption is the issuance of exploitation permit after the date of the amendment. So, if this condition is satisfied the exemption would apply, whether the activity of exploitation begun before or after the said date.

PARLIAMENTARY INTERPRETATION OF LAW

Iranian constitutional law provides for a special body of experts called the Council of Guardians of the Constitution. It is composed of two categories of specialists, lawyers and clergymen. They are vested with the authority to interpret the articles of the Constitution, while the competence to interpret ordinary laws is accorded to the Parliament.

A question was raised with regard to the date of enforcement of the interpretation so delivered by the Parliament. Are they executable from the date of adoption of the law, or else they are to be enforced from

the very date the interpretation has been rendered?

The government (President of the country) put the question to the Council of Guardians, since the authority of the Parliament for interpretation of ordinary law is provided under the Constitution, and the answer to such question would constitute by itself a case of interpretation of the constitutional law, which has been granted to the Council of Guardians.

The President referred in his inquiry to the fact that some far-reaching actions might have been taken by the authorities according to their own

activities.

The tax exemption shall be granted to the entities for whom identity card or exploitation permit is issued as from the date of approval of the said amendment. The exemption takes place from the date of commencement of exploitation.

On December 14, 1994 the Vice Minister for Revenue (Ministry of Economic Affairs and Finance) ruled in a circular letter that the exemptions under the Article 132, DTA could be enjoyed only by the entities that obtained the "permission of establishment" as from the date of approval of the amendment, namely from 27 April 1992, onwards. As mentioned above, the terms used in the Article 132 are "identity card" and "exploitation permit", and no reference has been made to the term "permission of establishment".

So, one may infer that the issuance of "identity card" was interpreted by the Finance Ministry to be a prerequisite for an entity to be established legally

and properly.

After one year (on 22 October 1995) the Ministry issued a second circular, which implied that the exemption under discussion could be extended to the entities that were established even before the date of the amendment. It was tacitly accepted in the circular that the main criterion for accrual of exemption is the issuance of exploitation permit, which when issued after the date of amendment would qualify the entity for the exemption.

In spite of that, the circular put forward another requisition. The commencement of exploitation should - according to the circular - also be from the date of the amendment onwards.

Based on this new interpretation, a particular category of entities were also deprived from the exemption. Those were the establishments that began the activity of exploitation before April 1992, but obtained official exploitation permit after that date.

INTERNATIONAL TRAFFIC AGREEMENT

The parliament approved an agreement concluded recently between Iran and the Republic of Azerbaijan. The Agreement Covers various aspects of road transportation between two countries, including the tax issues arising from such mutual activities. According to Article 7 of the Agreement, the vehicles registered in the territory of each of the contracting states, shall be exempted from any taxes in the territory of the other contracting state, with regard to their ownership, use and operation. The exemption shall be granted only in cases of temporary entrance and transportation of vehicles.

As far as the customs issues are concerned, the vehicles shall be treated according to the internal laws of the contracting states with regard to such temporary entrances. Any fuels existing in the standard tank of vehicle shall be exempted from taxes and duties, provided that the fuel tank being installed by the factory which produced the vehicle.

The spare parts temporarily imported for repair of the vehicle, are also exempted from taxation. The same is true with regard to used personal effects and repairing tools, as usually kept by the personnel of vehicles during such transportations.

TAX EXEMPTION OF MANUFACTURING AND MINING ACTIVITIES

Article 132 of the Direct Taxation Act (DTA), as amended on 27 April 1992, provides tax holiday of 8, 6 and 4 years (based

on priorities drawn by the relevant organizations) for the entities engaged in manufacturing and mining

TAXPAYERS IGNORANT OF THEIR RIGHTS

A particular feature of taxpayers' rights has drawn the attention of the tax administration, and caused the Ministry of Economic Affairs and Finance to issue a special circular in this regard. The circular takes into view a situation where the taxpayer forgets or is unaware of his/her right to protest against the ex-officio assessment of their taxes made by tax officials, or to appeal in defiance of a verdict rendered at lower stages of proceedings.

In the circular, reference has been in particular made to the Article 216 of the Direct Taxation Act (DTA). The Article provides that the Board of settlement of Tax Disputes (BSTD) is vested with the authority to review and decide on complaints filed by taxpayers in respect of execution of tax decisions. If the complaint is to the effect that the execution process have been taken place

before finalization of tax through the relevant procedural channels, then the BSTD shall take, in case of finding the complaint as justified, proper actions for reviewing the substance of the issue as an organ for settlement of disputes between the taxpayers and tax offices.

The circular orders the BSTDs reviewing such complaints, to expressly mention at the end of their verdicts, that it is appealable, during a period of one month from the date of notification thereof, to an appellate BSTD in accordance with the Article 247, DTA.

If the BSTD would consider the case in capacity of an appellate organ, then it should also mention in its verdict that the parties to the dispute may refer the case to the Supreme Council of Taxation on the basis of considerations stipulated under the Article 251 of the same law.

COLLECTION OF TAXES ON TRANSFER OF SECOND HAND VEHICLES

The regulations concerning taxation of automobiles and similar vehicles are contained in the Law on Collection of Indirect Taxes from Certain Goods and Services. The Note 4 to Article 9 of the said law states that the method of collection of taxes on transfer of second hand automotive vehicles shall be provided under separate regulations to be adopted by the Council of Ministers.

The Council approved a special by-law recently, which involved an innovation in the field of tax collection. The taxpayers willing to enter into transactions with regard to their second hand cars and similar vehicles are allowed to pay relevant taxes through the banking facilities. The Finance Ministry shall, under the by-law, furnish the banks with printed forms of receipt or vouchers designed for this purpose. Then the taxpayer shall pay his/her tax liability to the bank against such

receipts or tickets. A copy of the receipt should be delivered, by the seller of the vehicle, to the notary public who is responsible for registration of the transaction.

The bank issuing the voucher has to record number and other specifications of the vehicle on the voucher and perforate it, before delivering it to the taxpayer. The notaries public are also required to keep always their own copies of vouchers ready for investigation by tax officials, otherwise they shall be subject to certain fines.

The branches of traffic police that are responsible for registration of vehicles and their owners according to their own regulations, have - under the by-law - to demand the parties to the transaction to present their relevant tax vouchers, before registering the transfer of the vehicles in their records.

stipulated under the Civil Employment Law. It is a floating figure, in the sense that the council of ministers may alter it from time to time to adjust the level of salaries with the goal of ameliorating the effects of inflation.

So, The new initiation would make the tax treshold floating as well, since the amendment provides that the treshold in question shall always be sixty times of civil servants' base salary. Whereas the base salary is to be calculated by multiplying the Base Number by the Coefficient, and the Coefficient is a floating figure, so the salary tax treshold also becomes a floating amount, and would give the salary receivers an extra compensation against impacts of inflation.

At the present, the Coefficient is RIs 160, which gives- when multiplied by the Base Number, namely the figure 400 - a Base salary of RIs 64000. Sixty times of the latter, constitutes the treshold for calculation of annual

salary tax according to the amendment referred to above.

As we mentioned earlier, the new amendment covers all classes of salaried people. Therefore, the white collar employees whether of public or private sectors, as well as the working people will equally take benefit from the said amount of salary tax treshold and potential future adjustments as discribed above. The following table shows summaryly the amount of monthly salaries and payable taxes accruing to them under the new amendment.

Monthly salary	Payable tax
RIs	RIs
320,000	0
330,000	900
400,000	7200
500,000	20550
600,000	37813
700,000	60063
800,000	86313
900,000	112563
1,000,000	138813
2,000,000	516188
3,000,000	946021
4,000,000	1396021

Tax News

SALARY TAX THRESHOLD MADE FLOATING

The Section three of chapter 3 of the Iranian Direct Taxation Act (DTA) comprises regulations concerning the tax on salary income. A threshold, namely a level of income at which tax commences to be levied, is provided under the Article 84, DTA and the Note thereto. The threshold used to be an annual income of Rls 1,800,000 for the employees of private sector and Rls 2,160,000 with regard to the salary receivers of the governmental organizations and agencies.

The said Article 84 and its Note were amended recently with the aim of raising the level of threshold and equalizing the situation of

the categories of salary receivers, whether they work for the public or private sectors, and whether they are workers or are relating to the class of salaried employees. The amendment includes, *inter alia*, a considerable increase in the amount of threshold, which shall be calculated according to the following formula:

There is a law titled the "Law concerning Harmonized System of Civil Servants' Salaries" approved in the year 1991. It provides for a base number that should be multiplied by a coefficient for determination of the base salary of governmental employees. The coefficient is

The foresightedness in the area of taxation requires the prediction of changes that may take place in basic elements and characteristics of a country's economy for about a decade. Emphasis should obviously be made on tax aspects of the issue under consideration.

What alterations will occur in the shape of transactions and economic activities, and what new phenomena are going to appear in this arena? This general question may naturally include vast issues and problems. Subjects like the changes in individual and group tastes and tendencies of consumers, developments in the scene of international trade, growth of population, diversity or balance between the rates of growth of different sections of the economy, advancement of science and technology, and many other themes and topics are involved, the details of which are beyond our brief discussion.

Subsequent to such significant step, comes the turn of planning for efficient confrontation with new conditions in the future. This will also be an extensive task. Form, substance, organization and procedure, all must be reviewed according to the requirements of new circumstances, and restructured in case of necessity.

Instead of this comprehensive and all-embracing approach, we may choose to take action in the field of more specific trends and developments of our time. One can take the example of evolution of information technology and its negative and positive impacts on the efficiency of tax administration under the current tax system of the country. The study will help the officials to take proper actions for adaptation to the new environment of modern life.

Dr. Aliakbar Arabmazar



IN THE NAME OF ALLAH

FROM THE PRESIDENT

Dealing with day-to-day problems may deviate people from cogitation about the future and preparation for confronting the prospective circumstances. Societies may also behave like men by immersion in current dilemmas and neglecting the importance of forthcoming conditions. The same approach might become true in respect of tax issues, so that the bulk of resources of the tax administration be devoted to the solving of actual problems, and thinking about future be left to those coming hereafter.

Foresightedness in this field could be interpreted in a limited way, that is to confine it to forecasting some figures in the framework of financial needs of the government during a certain period of time (say four or five years). No doubt that this also might be considered as a way of looking forward, but the prudence we have in mind goes further from the restricted sphere of figures and numbers. It comprises the substance and subject-matter of taxation. We mean planning for future by virtue of all elements and factors effecting the performance of the tax system.

In other words, we have to foresee the future atmosphere in which the tax officials have to accomplish their duties, in order to prepare themselves for acting according to the new scenario. The job obviously is not easy, and it is much more complicated than forecasting few figures as the share of tax revenue in forthcoming expenditures of the government.